

حکیم و ارسته

ویژه نامه قدس به مناسبت چهلمین روز درگذشت استاد محمد حسین حشمت پور

با آثار و گفت و گوهایی از حجج اسلام و استادان مرتضی جواد آملی، محمد ذبیحی، سید محمود موسوی شاهرودی، حسین لطیفی، سید ابوالفضل سیدی، احمد حسین شریفی، محمد رضا کریمی والا، حسین مقیسه، محسن جواد، حسین کلباسی اشتیری، حسین رمضانی حسین آباد، محمد لگنهاوزن و علی حشمت پور | مرور پیام های بزرگان درباره استاد | نگاهی به درس گفتارهای استاد حشمت پور



امام رضا(ع): رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمَرَنَا ... يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عُلِمُوا مُحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا
رحمت خدا بر بنده‌ای که امر ما را زنده کند، دانش‌های ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد. اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را
می‌دانستند از ما پیروی می‌کردند. (معانی الأخبار، ص ۱۸۰، ح ۱)



نشانی قدس آنلاین:
qudsonline.ir

A portrait of a middle-aged man with a beard and glasses, wearing a light-colored suit jacket over a button-down shirt. He is seated in a wooden chair, looking directly at the camera. The background is a plain, light-colored wall.

اما این حجم از تدریس، کیفیت را قربانی نمی‌کرد. ابداً. روش تدریسش تحقیقی و وسواسی بود. برایش کمیت متن خوانده شده مهم نبود، کیفیت فهم مهم بود. گاهی



یک شبه ساخته نشده بود؛ بنایی بود که خشت به خشت با تقوا و معرفت بالا رفته بود.

■ مردی با یک دست کت و شلوار سرمایه

راز این همه عمق و استواری علمی در کجا بود؟ در تقوا. در زیست زاهدانه‌ای که ریشه در خانه پدری داشت. برادرش می‌گوید: «ما برادران همیشه برای یکدیگر احترام قائل بودیم... من به عنوان یک برادر کوچک‌تر، نه صرفاً به خاطر علم ایشان چنین رفتار می‌کردم، فقط به این دلیل که برادر بزرگ‌تر هست و همچنین به این دلیل که ایشان یک برادر باتقوا بودند. این برای من خیلی مهم‌تر از بحث علمی بود». این یک کلیدواژه است. در خانه آن‌ها، بزرگ‌تر احترام داشت چون بزرگ‌تر بود. عالم احترام داشت چون حامل علم بود. اما آن چیزی که این احترام را از یک امر طبیعی به یک موضوع معنوی و عمیق بدل می‌کرد، «تقوا» بود و این تقوا در تمام شئون زندگی‌اش جاری بود.

مشهور بود که دائم‌الصوم است. در هفت سالی که شاگردش همراهش بود، ندید چیزی میل کند. هر چه تعارف می‌کردند، در جیب می‌گذاشت و بعداً به طلبه‌ها می‌داد. از بیت‌المال ارتزاق نمی‌کرد. منبع درآمدش، حقوق تدریس در دانشگاه بود. در مدرسه خان، هرگز از آب و چای و تنقلات استفاده نمی‌کرد، حتی اگر از شدت سرفه، صدایش برای یک ربع قطع می‌شد. هرگز پایش را در اتاق اساتید نگذاشت. با ضعف جسمانی و کهنوت سن، سه طبقه پله‌های مدرسه خان را بالا و پایین می‌رفت اما از آسانسور استفاده نمی‌کرد. این زهد و عزت نفس، شگفت‌انگیز بود. از جانب مدرسه پولی به استادان می‌دادند، ایشان نمی‌پذیرفت. وقتی در دوره‌ای حقوق دانشگاهش را به دلیل اختلافات اداری قطع کردند، دست پیش کسی دراز نکرد و احدی در محیط دانشگاه نفهمید که آیا او نیاز مالی دارد یا خیر. این استحکام درونی، در میان روحانیون نیز کم‌نظیر بود. او تجسم این بیت بود که «ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم/ با پادشه بگوی که روزی مقدر است». استاد با یک دست کت و شلوار سرمایه‌ای کهنه اما بسیار تمیز و مرتب، سال‌ها روزگار گذراند؛ مردی که ثروت حقیقی‌اش در درونش بود، نه در جیبش.

■ من در سطحی نیستم که درس اخلاق بدهم

تمام این مراتب علمی و تقوا، او را به انسانی متواضع، صبور و مهربان تبدیل کرده بود. گویی هر چه درختش پربارتر می‌شد، سرش افتاده‌تر می‌گشت. برادرش می‌گوید: «فروتنی و تواضع ایشان واقعاً برجسته بود. او هرگز اظهار فضل نمی‌کرد. چون معمم نبود و لباس معمولی به تن داشت، جلوه‌ای که دیگران داشتند در او دیده نمی‌شد و خودش هم از این گمنامی استقبال می‌کرد». این شکسته نفسی تا جایی بود که وقتی از او دعوت می‌کردند تا به عنوان استاد اخلاق درس بدهد، می‌گفت: «من در سطحی نیستم که بخواهم از اخلاق به دیگران درس بدهم».

و حالا در این نیمروز داغ بهاری، ما نشستیم و به خاطرات برادر از زبان برادر گوش می‌دهیم. خاطراتی که در آخرین دیدارشان به سکوتی سنگین ختم شده بود. برادر استاد در کلام آخر گفت‌وگو با چشمانی اشکبار می‌گوید: «آخرین دیدار ما به نظرم یا دوشنبه بود یا سه‌شنبه، در آن زمان دیگر قادر به صحبت کردن نبودند و حتی ارتباط چشمی چندانی هم با من برقرار نکردند. من همیشه سعی می‌کردم با ایشان ارتباط چشمی برقرار کنم، چون متوجه می‌شدم که درک می‌کنند حرف‌های من را، ولی دیگر نمی‌توانستند پاسخ دهند». این سکوت، پایان قصه مردی بود که یک مجسمه زنده از تقوا و علم بود. مردی که با یک دست کت و شلوار سرمایه‌ای، در سکوت و گمنامی آمد، درسی به بزرگی یک عمر داد و آرام و بی‌صدا به ابدیت پیوست. او تمام عمر از قاب کوچک دوربین‌ها گریخت اما ناخواسته تصویری بسیار بزرگ‌تر و ماندگارتر از خود در ذهن و جان هر آن کس که او را می‌شناخت، حک کرد. تصویری از یک فیلسوف واقعی که فلسفه را نه فقط در کتاب‌ها، که در لحظه لحظه زندگی‌اش زیست.

خب می‌نشستید، پاسخ داد: «نه، من نمی‌توانستم بگویم برویم بنشینیم». او خستگی و دل‌تنگی را به روی خود نمی‌آورد، مبادا که دیگری برنجد. این خمیدگی قامتش هم خود قصه‌ای داشت؛ می‌گفت: «من از دوران جوانی تصمیم گرفتم به نامحرم نگاه نکنم. همیشه سرم را پایین انداختم. بعد فهمیدم باید فقط چشمم را پایین نگه دارم، نه سرم. چون سرم را همیشه پایین انداختم و همچنان هم مطالعه می‌کردم، کمی آرتروز گردن پیدا کردم».

■ حکایت چشم‌ها و عذرخواهی‌ها

شخصیت او با همین جزئیات کوچک و بزرگ ساخته می‌شد. دو خاطره مثل دو عکس فوری، تلاشی هستند که شاید گوشه‌ای از عمق شخصیت او را به تصویر بکشند. اولی، خاطره‌ای از کودکی. برادرش به یاد می‌آورد که یک بار در یکی از کوچه‌های مشهد، استاد که آن روزها کودکی بیش نبود، به داخل یک مسافرخانه در باز نگاه می‌کند. پدرشان، آن مرد اهل تقوا، بلافاصله تذکر می‌دهد: «محمدحسین، چرا تو خانه مردم نگاه کردی؟» و او پاسخ می‌دهد: «آقا، خانه نبود، مسافرخانه بود» و پدر آن درس ابدی را به او می‌دهد: «فرقی نمی‌کند. عادت کن که داخل خانه کسی را نبینی، داخل خانه کسی را نگاه نکنی» و این نصیحت تا آخر عمر آویزه گوشش شد. این همان استواری و عزت نفسی بود که ریشه در تربیت او داشت.

دومی، خاطره‌ای از اوج پختگی. شاگردش حجت الاسلام سیدی تعریف می‌کند: «یک بار یادم می‌آید یکی از طلاب با مناقشات بی‌دلیل خود استاد را ناراحت و عصبانی کرد، استاد بلافاصله از آن

طلبه عذرخواهی کرد. با خودم فکر کردم عجیب است که آن طلبه مقصر است ولی استاد عذرخواهی می‌کند». این دیگر نهایت تسلط بر نفس و اوج فروتنی است. این یعنی آن قدر بر خود مسلطی که حتی در لحظه بر حق بودن، پیشدستی می‌کنی تا غبار کدورتی بر دلی نشیند. این دو قاب، یکی از کودکی و دیگری از استادی، نشان می‌دهد شخصیت او

برای فهم چهار یا پنج خط از کتاب شفای ابن‌سینا، سه یا چهار جلسه کامل وقت می‌گذاشت. نسخه‌های مختلف را مقایسه می‌کرد و آن قدر متن را می‌کاوید تا جان کلام را بیرون بکشد. شاگردش می‌گفت گاهی استاد می‌فرمود برای فهم دقیق فقط دو خط، چهار یا پنج ساعت وقت گذاشته و گاهی از دست ابن‌سینا گلایه می‌کرد که چرا این قدر مطلب را دشوار بیان کرده است.

این جدیت، مرز و مکان نمی‌شناخت. لحظه‌ای از عمرش را به بطالت نمی‌گذراند. کتاب همراه همیشگی و جدانشدنی‌اش بود. برادرش می‌گوید: «حتی الان توی فضای مجازی هم تصاویری از ایشان وجود دارد که در صف نانوایی ایستاده و کتابی دستشان است. هر جا که می‌رفتند، کتاب می‌بردند». این تصویر را بگذارید کنار تصویر مردی که در مطب پزشک، یا در مسیر خانه تا کلاس، یا حتی در ایام کرونا و تعطیلی‌ها، کتاب از دستش نمی‌افتاد. او یک کتابخانه سیار بود که قدم می‌زد، نفس می‌کشید و زندگی می‌کرد. این عشق به علم، موهبتی بود که خودش هم آن را حس می‌کرد: «من فکر می‌کنم این را خدا به من داده است و من باید از این برای دیگران استفاده کنم». و چه خوب استفاده کرد. بسیاری از متونی که تدریس می‌کرد، پیش هیچ استادی تلمذ نکرده بود. از روی خوش فهمی و احساس نبازی که در طلاب می‌دید، خودش می‌خواند، می‌فهمید و بعد تدریس می‌کرد. کتاب «النفس» شفا را مدت‌ها در حالی تدریس می‌کرد که فقط یک شاگرد داشت. یک شاگرد که بعدها به استاد گفته بود فقط برای احترام و برای تعطیل نشدن کلاس می‌آمده است؛ نکته‌ای که البته استاد را مکدر کرده بود.

■ همه این‌ها را خوانده‌ای؟

یکی از یادگارهای استاد حاشیه‌نویسی‌هایش بود. برادرش تعریف می‌کند که در کتابخانه چند هزار جلدی مشترکشان، وقتی کتاب‌های قدیمی پدر را ورق می‌زدند و حاشیه‌نویسی‌های او را می‌بیند، از او می‌پرسد: «همه این‌ها را خوانده‌ای؟» و استاد می‌گوید: «بله»؛ نه فقط در علم اصول، فقه و فلسفه ید طولایی داشت، بلکه در ریاضیات، علوم غریبه و حتی در علم نجوم و ستارگان هم مطالعه کرده بود. او نیروی عجیبی داشت؛ سخت‌ترین عبارات‌های فلسفی را با مطالعه شخصی، به ساده‌ترین شکل ممکن بیان می‌کرد. آن قدر ساده که برای شاگردانش قابل درک و فهم می‌شد. این همان موهبت الهی بود.

■ دنبال کار مردم بود

استاد برای دیگران هم بسیار وقت می‌گذاشت. هر کس مشکلی داشت و به او مراجعه می‌کرد، برایش وقت صرف می‌کرد و برای حل مشکلش می‌کوشید. حتی اگر لازم بود تا دفاتر برخی مسئولان در قم برود، این کار را می‌کرد. وقتی برادرش به او می‌گفت: «آقا، چرا دنبالش می‌روید؟ چرا خودتان را این قدر خسته می‌کنید؟» پاسخ می‌داد: «این قدر می‌آیند، من نمی‌توانم بگویم نه. اگر از دست من خدمتی برآید آن را انجام می‌دهم». این همان روح بزرگ انسانی بود که منفعت دیگران را بر خستگی خود ترجیح می‌داد.

پس از نخستین سکنه، وقتی در مشهد و در راه بازگشت از حرم مطهر بود، گاهی دوستانی در راه متوقفش می‌کردند و سؤال می‌پرسیدند. یک روز دو ساعت تمام سر پا ایستاد و به پرسش‌های یک نفر پاسخ داد. وقتی به خانه رسید و از او پرسیدند چرا این قدر دیر شد، گفت: «فلانی... من را سرپا نگه داشت و ۱۲۰ دقیقه از من سؤال کرد». وقتی به او گفتند



آینه‌های حکمت

حکمت اسلامی در محضر استاد

حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی از شخصیت چندبُعدی و شیوه‌های تربیتی استادی سخن می‌گوید که توانست مکاتب مختلف حکمی را در ایران معاصر احیا کند



در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی جوادی آملی، ابعاد شخصیتی و علمی مرحوم استاد حشمت‌پور به عنوان چهره‌ای

جامع‌نگر در عرصه حکمت‌پژوهی معاصر بررسی شد؛ استادی که نه تنها در حکمت‌های مشاء، اشراق و متعالیه تبحر داشت؛ بلکه با روش‌های نوین تربیتی و اخلاق منحصر به فردش توانست نسلی از پژوهشگران حکمت را پرورش دهد.

■ حکمت در ذات

دکتر جوادی آملی با اشاره به شخصیت متعالی استاد بیان می‌کند: شخصیت محجوب و مستور ایشان شایسته است برای جامعه امروز ما آشکار شود و اقدام‌های اساسی و ارزشمندی که در خفا انجام دادند؛ که بسیاری از آن‌ها بسیار بزرگ و تأثیرگذار بود، برای جامعه؛ به‌ویژه برای مردم خراسان و مشهد مقدس بازگو شود.

وی می‌گوید: استاد حشمت‌پور یک انسان تلاشگر علمی بودند که مجاهدت علمی خوبی داشتند، لحظه‌ای درنگ نمی‌کردند و از بهترین فرصت‌ها، از بهترین اساتید در بهترین موقعیت‌ها استفاده می‌کردند.

این مسئله از امتیازات بسیار بزرگ جناب آقای حشمت‌پور بود، بدون اینکه به فضای فراهم شده، احیاناً بی‌توجهی داشته باشند، کاملاً درک می‌کردند، تقریر انجام می‌دادند، با دقت هم تحریر می‌کردند و به خاطر می‌سپردند.

این ویژگی نخست ایشان این بود که می‌رفتند تا مسئله حکمت را به ذات آن ببینند؛ چون ایشان فهمیده بودند حکمت ذاتاً مطلوب است. حالا انواع و انحای حکمت بحث دیگری است؛ اما اینکه انسان حکمت را در زمان خودش به معنای اینکه هستی

را آن‌گونه که هست

بشناسد، واقعیت‌های جهان را آن‌گونه که هست تبیین کند، این ذاتاً مطلوب است؛ همان‌طوری که شناخت بایدها و نبایدها ذاتاً مطلوب است، شناخت هست‌ها و نیست‌ها که کار حکمت نظری است، ذاتاً مطلوب است؛ یعنی چه چیزی در جهان هستی واقعیت دارد و چه چیزی واقعیت ندارد.

ایشان با همه وجود به این توجه پیدا کردند که این ذاتاً مطلوب است.

■ راه‌های گوناگون حکمت، یک مقصد

این استاد برجسته خاطرنشان می‌کند: بدیهی است برای شناخت هر پدیده و هر حقیقتی راه‌های مختلفی وجود دارد و مشرب‌های گوناگونی داریم. تلاش استاد حشمت‌پور این بود که هم تمام راه‌ها و هم همه مشرب‌ها را تا آنجا که ظرفیت‌های مکاتب و مشارب هست، با هم طی کنند.

شاید هنوز ایشان به آن مقصد نهایی که یکی از این راه‌ها را بهتر و مناسب‌تر تشخیص بدهند، یا نرسیده یا نخواستند بودند اعلام کنند. هدف اصلی ایشان شاگردپروری و کمک به

جناب آقای حشمت‌پور به دنبال این معنا بودند که هر کس با هر اندازه ظرفیت حکمت‌پژوهی که دارد، بیاید و در میدان حکمت حضور پیدا کند و هستی را از آن منظر بیابد. ایشان معتقد بودند تا آنجایی که ممکن است مثلاً حکمت مشاء را از طریق الهیات شفا یا اشارات و امثال آن بیان کنند و آن کسی که به حکمت متعالیه نرسیده یا معتقد نیست یا به هر دلیلی به آن توجه ندارد، آن مقدار از حکمت مشاء که می‌تواند تا حد اکثر آن استفاده کند. این یک امتیاز واقعی و یک نوع نظر بسیار شایسته است.

جامعه برای درک این معنا بوده تا بتواند منظرهای مختلف و مشرب‌های گوناگون را در بحث حکمت و هستی‌شناسی دنبال کند.

از این رو برای ایشان، همه مشرب‌های حکمی - اعم از حکمت‌های مشاء، اشراق، متعالیه و حتی مباحث حکمت رواقی و سایر حکمت‌ها - ذاتاً مطلوب بود و در این مرحله، انتخابی میان آن‌ها نداشتند. اگرچه ایشان انسانی صاحب‌اختیار و رأی بودند؛ اما تشخیصشان این بود که در حال حاضر اصل حکمت را برای جامعه علمی تبیین و گوارا کرده و آن را قابل پذیرش کنند.

این ویژگی برجسته استاد بود، همان‌گونه که حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی در پیامشان اشاره فرمودند که ایشان این حکمت‌ها را بررسی می‌کردند.

■ پاسدار حکمت ملی و میراث فکری ایران اسلامی

دکتر جوادی آملی با اشاره به این موضوع یادآور می‌شود: نکته قابل توجه این است که هر حکمتی با خودش رویکردی را می‌آورد و یک سلسله موانع و منظرهایی را ایجاد می‌کند که این منظرها یا موانع در

مرسوم استاد و شاگردی داشتند.

این دوستانه بودن به این معنا بود که ایشان عمیقاً علاقه‌مند بودند روح حکمت را در جان شاگردانشان جای دهند، نه صرفاً مباحث درسی را در ذهن و عقل آنان بگنجانند.

ایشان مشتاق بودند شاگردان، حکمت را بپوشند و حس کنند، نه فقط به صورت عقلی به درک آن برسند. از این رو، دوستان و شاگردان ایشان نیز کسانی بودند که با همین روحیه با استاد ارتباط برقرار می‌کردند و می‌کوشیدند این گونه با یکدیگر تعامل داشته باشند.

ایشان هرگز در هیئت استاد به معنای متعارف آن ظاهر نشدند؛ بلکه حقیقتاً واجد روح استادی بودند که همان اشراق و افاضه معارف است، نه صرفاً انجام کارهای تحصیلی مرسوم. یکی از امتیازات بارز تدریس ایشان این بود که به راستی می‌کوشیدند متون را به نیکویی بگشایند و واکاوی متنی عمیق و مناسبی انجام دهند. این ویژگی ممتازی است که کمتر در این سطح یافت می‌شود.

بسیاری از اساتید صرفاً به طرح نظرات خود می‌پردازند؛ اما مسئولیت واکاوی دقیق متن را بر عهده نمی‌گیرند. حال آنکه استاد حشمت پور با دقتی ویژه به تحلیل متن می‌پرداختند، زوایای پنهان متون را برای شاگردان می‌گشودند و از همین زوایا، نکات بدیع و تازه‌ای استخراج می‌کردند تا روح حقیقی مطالب را به مخاطبان انتقال دهند.

دکتر جوادی آملی در پایان با بیانی شیوا تصریح می‌کند: می‌توانیم استاد حشمت پور را بحق نماینده‌ای از یک نسل و جریان فکری خاص بدانیم که کمتر در حوزه‌های علمیه ظهور و بروز داشته‌اند.

در شرايطی که برخی متخصص حکمت اشراق یا مشاء هستند و گروهی دیگر به حکمت متعالیه می‌پردازند، ایشان علاوه بر تسلط بر حکمت، به مباحث نقلی نیز اعتقاد راسخ داشتند و در این زمینه نیز فعال بودند؛ یعنی این گونه نبود که صرفاً به یک حوزه خاص محدود باشند؛ حتی پیش از تخصص در حکمت، در مباحث فقه و اصول نیز تبحر داشتند؛ اما آنچه ایشان را ممتاز می‌کرد، سجایای اخلاقی بی‌نظیرشان بود.

محجوبیت، ادب، تواضع، فروتنی و خصلت‌های والای انسانی ایشان، فراتر از معیارهای معمول اخلاقی بود. شرافت انسانی و ادب مثال‌زدنی استاد حشمت پور واقعاً کم‌نظیر بود.

امیدواریم روح بلند ایشان در جوار رحمت الهی و در پیشگاه حکیم علی‌الاطلاق، رسول مکرم اسلام (ص) و امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) قرین آرامش باشد.

همچنین امید داریم شاگردانشان بتوانند این مسیر ارزشمند و مشرب حکمی‌ای را که ایشان در فضای حکمت‌پژوهی جامعه ما بنیان نهادند و نسل‌های فراوانی را در این راه پرورش دادند، تداوم بخشند. ان‌شاءالله این راه نورانی استمرار یابد.

حکمت مشاء را در تمامی آثار مشائی به خوبی می‌شناسد و درمی‌یابد. ایشان محقق بودند که در حوزه‌های حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه پژوهش‌هایی گسترده و عمیق انجام دادند و این مکاتب را به درستی می‌شناختند.



با توجه به سلیقه ویژه‌ای که داشتند، تصمیم گرفتند در این مقطع، با همان ظرفیت‌های موجود پیش بروند و این رویکرد، خود سبک و سلیقه‌ای خاص بود.

که کمتر میان افراد دیده می‌شود. در نهایت، برخی پیرو حکمت مشاء هستند و بر آن پافشاری می‌کنند، برخی پیرو حکمت اشراق‌اند و بر آن تأکید دارند و گروهی نیز حکمت متعالیه را برتر می‌دانند و آن را سرآمد مکاتب حکمی می‌شمرند. هر یک از این مکاتب ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارند؛ اما جناب آقای حشمت پور در دوران فعالیت خود در عرصه حکمت، به گونه‌ای درخشان ظاهر شدند.

به هر حال اراده الهی بر این تعلق گرفت که ایشان بتوانند این مسیر را ادامه دهند. شاید در آینده راه دیگری را برای خود برمی‌گزیدند، راهی برتر؛ اما در دوره‌ای که حضور داشتند، این گونه عمل کردند.

روح حکمت و انسانیت در قالبی علمی و اخلاقی

وی با اشاره به جنبه دیگری از ویژگی‌های ایشان چنین اظهار می‌کند: بخش دیگری از ویژگی‌های آقای حشمت پور این بود که با شاگردانشان تعاملی بسیار دوستانه و فارغ از قالب‌های

حقیقت با منظرها و موانع حکمت‌های دیگر متفاوت است. با این توجه که هر کدام از این‌ها می‌توانند راهی را برای رونده و سالک باز کنند. مثلاً الان خیلی‌ها معتقد به حکمت متعالیه هستند و عده زیادی همچنان دنبال حکمت مشاء هستند یا حکمت اشراق را دنبال می‌کنند. ذوقشان، سلیقه‌شان یا انتخابشان آن نوع مشرب‌هاست. ممکن است بگوییم مثلاً حکمت متعالیه جامع حکمت‌هاست.

برخی شاید ذاتاً این را نپسندند یا به آن باور نداشته باشند؛ ولی جناب آقای حشمت پور به دنبال این معنا بودند که هر کس با هر اندازه ظرفیت حکمت‌پژوهی که دارد، بیاید و در میدان حکمت حضور پیدا کند و هستی را از آن منظر بباید.

ایشان معتقد بودند تا آنجایی که ممکن است مثلاً حکمت مشاء را از طریق الهیات شفا یا اشارات و امثال آن بیان کنند و آن کسی که به حکمت متعالیه نرسیده یا معتقد نیست یا به هر دلیلی به آن توجه ندارد، آن مقدار از حکمت مشاء که می‌تواند تا حد اکثر آن استفاده کند. این یک امتیاز واقعی و یک نوع نظر بسیار شایسته است. چون الان کسانی که به یک انتخاب رسیده‌اند، تمام تلاششان این است که همان انتخاب را بیان و تبیین کنند.

ولی ایشان انصافاً چنین رویکردی داشتند که حکمت‌پژوهی را در جامعه اسلامی، در جامعه ایرانی ما همچنان استوار و ثابت نگاه دارند؛ چون واقعاً ایران یک کشور حکمت‌است و این حکمت‌پژوهی از ویژگی‌های هزار ساله جامعه اسلامی ماست و ایشان در این ماندگاری واقعاً نقش بسزایی داشتند. این از امتیازاتشان بود.

جامع‌نگری در حکمت و وفاداری به سنت پژوهش

وی ادامه می‌دهد: شاید برخی این پرسش را مطرح کنند که چگونه ممکن است فردی هم حکمت مشاء را بیان کرده و هم حکمت اشراق را تبیین کند و هم به حکمت متعالیه بپردازد؟ حضرت استاد با درک عمیق از جامعه و شناخت دقیق فضای علمی دریافتند مخاطبان حکمت‌پژوه، طیف واحدی نیستند. اگرچه از منظر جناب آقای حشمت پور ممکن است یک انتخاب برتر وجود داشته باشد؛ اما آنچه جامعه حکمت‌پژوه مطالبه می‌کند، متأثر از سلیقه و گرایش شخصی پژوهشگران نیز هست.

برخی از اهل نظر اساساً به جنبه‌های ذوقی و شهودی حکمت اقبالی نشان نمی‌دهند و تمام همت خود را مصروف حکمت بحثی و تفصیلی که روش حکمت مشاء است، می‌کنند و تنها آن را شایسته عنوان «حکمت» می‌دانند.

در چنین شرایطی لازم است برای این جریان فکری چاره‌اندیشی کرد و تا حد امکان ظرفیت‌های آن را ارتقا بخشید. باید نشان داد این مکتب تا چه اندازه می‌تواند در ارائه تصویری جامع از واقعیت هستی موفق عمل کند؛ که این خود هنری ممتاز و قابل‌قدردانی است.

این استاد برجسته سطوح عالی حوزه و دانشگاه با اشاره به نکته‌ای ظریف چنین بیان می‌کند: نکته دیگری که شایسته تأمل بوده این است که اگر فردی بخواهد چنین هنری را به کار ببندد و در جامعه به این امر همت گمارد، لازمه‌اش آن است که تمامی این حکمت‌ها را به نیکوترین وجه درک کرده و بشناسد.

یک مدرس صرفاً می‌تواند اشاره کند که مثلاً کتاب الهیات شفا، اشارات، حکمت‌الاشراق یا سایر آثار تا چه اندازه از ظرفیت برخوردارند و همین مقدار بس است؛ اما حکمت‌پژوه کسی نیست که تنها به این سطح بسنده کند؛ حکمت‌پژوه حقیقی آن است که به عنوان مثال، ظرفیت‌های گسترده



آینه‌های حکمت

یاد یار مهربان؛ سایه‌سار علم و ادب استاد حشمت‌پور

حجت‌الاسلام محمد ذبیحی، مدیر مؤسسه خرد سینوی، درباره‌ی سه‌گوشه‌ی بی‌بدیل اخلاق، جامعیت علمی و میراث جاودان استاد سخن می‌گوید



در غم فراق استادی که نقاب خاک در چهره دارد و ۴۰ روز است چشمان مشتاقان را به انتظار نشانده، به سراغ گنجینه‌های ناشناخته‌ای رفتیم که از سجایای

بی‌همتای او حکایت می‌کند. استاد حشمت‌پور، این چهره یگانه پارادایم علم، ادب و قناعت، نه تنها در طبیعیات و عرفان، استادی چیره‌دست بود که تواضعش تاج شهرت را خرد می‌کرد و زهدش چراغ راه‌هایی از دنیاپرستی بود.

اکنون با حجت‌الاسلام دکتر محمد ذبیحی، شاگرد بسیار نزدیک ایشان و مدیر مؤسسه خرد سینوی به گفت‌وگو نشستیم تا از عمق میراثی بگوئیم که نقشه نجات جامعه از بی‌خردی است. این میراث ارزشمند، اکنون به دست شاگردان استاد حشمت‌پور سپرده شده است؛ آنان که کمر همت بسته‌اند تا مشعل خرد سینوی را در تاریکخانه‌های بی‌خبری فرزندان نگه دارند و راهی را ادامه دهند که استاد به روشنی، عملی بودنش را به اثبات رساند.

■ در سایه ادب و دانش: سجایای بی‌همتای استاد حشمت‌پور

بی‌گمان استاد حشمت‌پور را می‌توان در سه بُعد متمایز شناخت. نخستین و برجسته‌ترین این ابعاد، ویژگی‌های اخلاقی و فردی ایشان است که به‌راستی کم‌نظیر بود. به عنوان راوی این سطور تأکید می‌کنم هر سخنی برآمده از ارادت باشد، نه مبالغه؛ چرا که مبالغه جز فریب، ثمری ندارد. در روزگاری که زیسته‌ام، کمتر کسی را دیده‌ام که همچون استاد حشمت‌پور، دانش گسترده، تواضع بی‌پیرایه و زندگی ساده‌ای چنین هماهنگ در خود جمع کرده باشد. هرچند بزرگان دیگری چون مرحوم آقا سید جلال و دیگر استوانه‌های علمی مشهد و قم را ارج می‌نهیم، اما استاد حشمت‌پور در پارادایم ترکیب علم، ادب و قناعت، چهره‌ای یگانه بود.

■ **جامعیت علمی: استادی در قله‌های چندگانه دانش**
بعد دوم، عمق و گستردگی دانش استاد است. هرگز ادعا نمی‌کنیم در این عصر با فراخنای بی‌کران علوم، کسی بتواند به تمامی معنا‌ذی‌فنون باشد، اما استاد حشمت‌پور در میدان‌های گوناگون دانش، نه تنها تدریس کرد، بلکه چنان اثری گذاشت که هر صاحب‌نظری پس از دیدن آثارش، به روشنی درمی‌یابد دستیابی به چنین بصیرتی دشوار است.

در طبیعیات قدیم، ریاضیات و هندسه استادی چیره‌دست بود. یکی از شاگردان نزدیکش؛ آقای لشکری روایت می‌کند: زمانی که به مقاله دهم اصول اقلیدس رسیدیم، با توجه به دشواری‌اش و گفته‌های سایر اساتید که هیچ‌کس توان تدریس آن را ندارد؛ همواره نگران بودیم. اما استاد هنگام تدریس این بخش، چنان روان و رسا سخن گفت که گویی آسان‌ترین مقاله کتاب است. در عرفان، تدریس کتاب

ایقاز النائمین، با وجود اینکه بزرگان دیگری بر این اثر شرح نوشته‌اند نشان‌دهنده تبحر بی‌بدیل او بود. ویژگی خاص دیگر استاد در حوزه روایات و آیات بود. ایشان هر جا گام نهاد، انسانی کم‌مانند بود. شرح توحید صدوق از نمونه‌های درخشان این جامعیت است که تنها بیان دو جلد آن، حدود هزار و ۶۰۰ نوار صوتی پُر بار شد.

■ **میراث جاودان: خرد سینوی و نقشه‌راه تعالی جامعه**
سومین بُعد حیاتی که سزاوار توجهی ژرف است، آثار ماندگار و میراث فکری استاد حشمت‌پور است. آنچه از این استاد فرزانه به یادگار مانده، تنها مجموعه‌ای از نوشته‌ها نیست، بلکه نقشه‌ای برای نجات جامعه از باتلاق بی‌خردی است. با جرئت می‌گویم درد اصلی کشور ما، بی‌خبری و فقدان آگاهی بنیادین است. جامعه‌ای که هر روز در گرداب فراز و فرودهای بی‌پایان دست‌وپا می‌زند، تنها با رشد عقلانی می‌تواند به تعالی برسد. برای نگهداشت این گنجینه، مؤسسه خرد سینوی را با اجازه و همراهی خود استاد پایه‌گذاری کردیم. هدف این نهاد، احیای همان خرد سینوی (ابن سینایی) بود که استاد در تدریس‌هایش جاری می‌کرد؛ نه با دو مقاله و سه کتاب، که با بنیان‌گذاری یک نظام فکری عقلانی؛ تنها راه نجات از این مسیر نه یک نظریه، که راهی عملی و شدنی است.

■ **درخت تواضع: ریشه‌های انزجار استاد از شهرت**
روایتی از امیرالمؤمنین (ع) چراغ راه این بخش است که دنیا محل ممر است نه مقر و دنیا گذرگاه است نه ماندگارگاه. انسان‌ها در این گذرگاه دو دسته‌اند: آنان که خود را فروختند و اسیر شدند و آنان که خود را خریدند و آزاد شدند.

استاد حشمت‌پور تجسم زنده دسته دوم بود. او در تمام عمر، از تاج‌های فریبده شهرت گریخت. ما شاگردان همواره با ایشان کشمکش داشتیم: «اجازه دهید مصاحبه‌ای هماهنگ کنیم تا مردم شما را بشناسند». حتی هنگامی که دانشگاه اصرار داشت مستندی تصویری از زندگی‌اش بسازد و مسئولیت اقناع استاد به من محول شد، با گفت‌وگویی سخت روبه‌رو شدم.

پس از سه جلسه گفت‌وگوی بی‌ثمر، بالاخره استاد با اکراه گفت: «بگوئید بیایند». خوشحال از این پیروزی، فردا صبح زود تماس ایشان همه چیز را دگرگون کرد: «باید فوراً تو را ببینم...». با سرعت در مجتمع ناشران به دیدارش رفتم.

چهره ایشان حکایت از کم‌خوابی داشت و گفت: «دیشب تا صبح پهلوی پهلوی می‌شدم... نتوانستم به تو «نه» بگویم، اما از درون راضی نیستم. این مصاحبه‌ها را نمی‌خواهم». بغض گلویم را گرفت: «هرچه صلاح می‌دانید...» و فرمود: «بگوئید بیایند». این، تمام حقیقت مردی بود که آزادی را با نه گفتن به دنیا خریده بود.

■ ارادت شاگردی

استاد حشمت‌پور از نوادر روزگار بود و مصیب درگذشت ایشان، تجلی همان آیه شریفه است: «یا آیتُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِ إِلَىٰ رَبِّکِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً» (ای نفس مطمئنه! به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است). امیدوارم شهر مشهد بتواند حداقل از نظر ظاهری اقدام شایسته‌ای برای بزرگداشت ایشان انجام دهد؛ به‌طور نمونه نام‌گذاری یک خیابان، اختصاص مکانی یا احداث یک فرهنگسرا به نام ایشان.

سرور و بزرگوار ما، حاج آقای مروی در خاکسپاری استاد در حرم مطهر رضوی مایه زیادی گذاشتند. این موضوع مهم و اقدام شایسته ایشان نیز باید در جای مناسب خود منعکس شود.

لازم است توضیح دهم برخی افراد ممکن است این تصور نادرست را داشته باشند که گویا آقای حشمت‌پور خود مصرا نه طالب بود در مشهد دفن شود. نه؛ هرچند تردیدی نیست آقای حشمت‌پور علاقه وافری به مشهد مقدس و امام رضا (ع) داشت. خود ایشان خاطراتی برای من نقل می‌کرد، از جمله اینکه چطور پدر و مادرش مایل بودند تولد او در مشهد اتفاق بیفتد و برای همین چند روز پیش از تولد به مشهد می‌آمدند.

بنابراین، در علاقه‌مندی عمیق آقای حشمت‌پور به مشهد و حرم مطهر رضوی هیچ تردیدی نیست، اما اینکه ایشان چنین خواسته‌ای و دفن در حرم مطهر را به صورت تحمیلی یا وصیت صریح مطرح کرده باشد، خیر؛ اصلاً این‌طور نبود. حتی واقعیت این است یکی از دوستان به من پیشنهاد داد هزینه قبر را بپردازیم، اما من پاسخ دادم مسئله اساساً این‌گونه نبود. علت اصلی دفن استاد در حرم مطهر، علاقه فردی و ارادتمندی شخصی حاج آقای مروی بود، چرا که ایشان شاگرد آقای حشمت‌پور بودند، نزد ایشان درس خوانده بودند و کمالات فراوانی از استاد دیده بودند.

حاج آقای مروی در دورانی که حال استاد رو به وخامت بود به من گفت: «ان شاء الله که عمر استاد حشمت‌پور به درازای آفتاب باشد، اما اگر خدایی نکرده زمانی اتفاقی افتاد، حتماً ما را خبر کن تا ما انجام وظیفه کنیم».

این نکته را هم برای درک بهتر حالات آقای حشمت‌پور اضافه می‌کنم. در سفر اخیر که استاد بیمار شد و چند روزی در منزل بستری بود، حاج آقای مروی را در جریان وضعیت استاد قرار دادم. ایشان به عیادت استاد رفت.

پس از این ملاقات، وقتی خدمت حاج آقای مروی رسیدم یا تلفنی که دقیقاً یادم نیست؛ ایشان با عتاب و ناراحتی بیان کرد: «آخر شما شاگردهای استاد چه می‌کنید؟ این چه زندگی‌ای است که ایشان دارند؟ خانه‌ای که ایشان در آن زندگی می‌کنند، خانه‌ای قدیمی، فرسوده و زیرزمینی است، با آن همه کتاب... چرا شما خانه‌شان را نمی‌کوئید و



به هیچ وجه امکان نداشت بخواهیم به آن محل برویم و حتی درباره موضوعی صحبت کنیم، چه رسد به درخواست کتاب یا امتیازی. این رویه، همیشگی و تغییرناپذیر بود. خاطره‌ای دیگر از یکی از همین سفرها در نمایشگاه کتاب که مصادف با ماه مبارک رمضان شده بود (یا احتمالاً ایشان روزه بود؛ جزئیات دقیق آن روز در خاطر من نیست)، گویای زهد عمیق ایشان است.

پس از برنامه‌ای در تهران، نماز مغرب و عشا را بجا آوردیم. اخوی بزرگ‌تر ایشان که از تهران آمده بود، بسیار اصرار می‌کرد به برادرش بگوئیم چیزی میل کند؛ چرا که نگران حال ایشان بود. از صبح از قم به تهران آمده، در نمایشگاه فعالیت کرده و روزه دار بود. اما با اطمینان به ایشان گفتم: خیر، چنین درخواستی بی‌فایده است؛ چرا که زهد ایشان، زهدی راستین و برخاسته از ژرفای ایمان بود، نه نمایشی و تصنعی. خداوند روح پاکش را قرین رحمت و اسعه خویش گرداند.

اکنون که آن استاد وارسته در جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) آرمیده، بر ماست که تلاش کنیم بتوانیم گوشه‌ای از اهداف بلند و ارزشمند ایشان را در جامعه زنده نگه داریم و ادامه دهیم.

آیا دیده‌اید برخی شخصیت‌ها را که عینک به چشم دارند و گاه از فراز آن، نگاهی از موضع بالا به مردم می‌کنند؟ اما آن استاد فرزانه، هرگز چنین نبود. اگرچه عینک به چشم می‌زد، نگاهش همواره در چشمان افراد بود؛ حضورش سرشار از احترام و توجه به مخاطب بود. او هر فردی را بزرگ می‌شمرد و حرمت همه را نگه می‌داشت.

ایشان حتی در سخت‌ترین شرایط، مسئولیت خویش را رها نمی‌کرد. به یاد دارم گاه با وجود بیماری و درد سنگ کلیه، سر کلاس درس حاضر می‌شد. با تحمل رنج فراوان، پنج انگشت دست راستش را بر زمین فشار می‌داد تا بتواند درد را تاب آورد، اما هیچ‌گاه تدریس را تعطیل نکرد. این استقامت و پایداری را ما شاگردانش بارها به چشم دیدیم؛ از دوران مدرسه نواب تا سال‌های حضور مشترک در قم و سفرهای متعدد به نمایشگاه کتاب تهران.

در همین سفرهای نمایشگاه کتاب که آقای مسجدجامعی (از اقوام نزدیک ایشان) در آن سال‌ها مسئولیت‌های اجرایی مانند معاونت یا وزارت داشت، هرگز شاهد نبودیم آن استاد برای استفاده از موقعیت یا تسهیلات خاصی به دفتر مسئولان مراجعه کند.

تعمیر اساسی نمی‌کنید یا عوضش نمی‌کنید؟ اگر کاری هم از دست ما برمی‌آید، حتماً بگوئید تا انجام دهیم». در پاسخ به ایشان گفتیم خود استاد حشمت پور اصلاً راضی به این کارها نمی‌شود و معمولاً می‌گوید: «من به همین وضع قانع و راضی هستم».

با درگذشت استاد حشمت پور سرمایه‌ای بزرگ از دست دادیم. ولی آنچه این از دست دادن را کمی تسکین داد، این بود که استاد در کنار امام معصوم، علی بن موسی الرضا (ع) در آن حرم مقدس جای گرفت.

■ سیره عملی: تجلی تواضع، استقامت و زهد راستین

در روایتی گرانسنگ از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم که فرمودند: «من تا پایان عمرم این‌گونه زندگی خواهم کرد: با مردم به سادگی و راحتی خواهم نشست و همان‌گونه برخوایم خاست، شیر گوسفندان را به دست خویش خواهم دوشید و بر کودکان و خردسالان سلام خواهم کرد».

این کلام نورانی، سرلوحه زندگی آن بزرگواری بود که در یاد ماست و ایشان تمامی این ویژگی‌ها را در وجود خویش متجلی ساخته بودند.



آینه‌های حکمت

سلوک علمی؛ روایتی از نیم قرن همراهی با استاد حشمت پور

حجت الاسلام سید محمود موسوی شاهرودی و بیان سیره استادی که تعطیلات را

به فرصتی برای علم‌آموزی تبدیل می‌کرد



شخصیتی خوش اخلاق داشتند که من را ترغیب کرد همه درس‌هایم را با ایشان ادامه دهم. او در توضیح ویژگی برجسته تعطیل‌ناپذیری درس استاد، می‌افزاید: یکی از ویژگی‌های برجسته ایشان این بود که حتی در ایام تعطیل نیز درس‌ها را تعطیل نمی‌کردند.

ایشان درس‌هایی مخصوص تعطیلات داشتند و ما در تابستان، بسیاری از درس‌ها را خدمت ایشان خواندیم؛ حتی ایشان پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها در تابستان درس را تعطیل نمی‌کردند و این خصوصیت بارز ایشان بود بنابراین ما تمام طول هفته، حتی پنجشنبه و جمعه خدمت ایشان درس داشتیم و همین هم سبب شده بود که علاقه‌مان به درس ایشان بیشتر شود.

■ همراهان راه علم

حجت الاسلام موسوی شاهرودی درباره نقش خانواده در موفقیت علمی استاد بیان می‌کند: همسر ایشان جزو خانواده‌های سرشناس و متدین تهران و بسیار در زندگی رفیق ایشان بود؛ از جهت

توصیف ویژگی‌های منحصر به فرد کلاس استاد تأکید می‌کند: درس ایشان از درس‌های پرمخاطب و پرشور مشهود بود.

استاد بسیار مقید بودند که هیچ درسی تعطیل نشود؛ من به خاطر ندارم که ایشان درسی را تعطیل کرده باشند. همچنین بسیار مراقب بودند نظم درس به هم نخورد و وقت طلاب هدر نرود.

او در پاسخ به پرسشی فرضی درباره گستره تحصیلات خودشان در محضر استاد و فهرست دروس می‌افزاید: من بیشتر دروس سطح را با ایشان خواندم مانند لمعه، رسائل، تمامی مکاسب محرمه، بیح و خیارات، جلد اول کفایه و مقداری از جلد دوم کفایه. وی با اشاره به نقطه آغاز این همراهی علمی، خاطره جذب شدنش را این گونه روایت می‌کند: ابتدای آشنایی من به سالی برمی‌گردد که برای تعطیلات تابستان از قم به مشهد رفته بودم.

در جست‌وجوی استادی مناسب بودم تا اینکه به توصیه دوستان در درس آقای مرحوم حشمت پور شرکت کردم. از همان جلسه اول مجذوب بیان ایشان شدم. در کنار قوت علمی، بیانی شیوا و

در آستانه چهلمین روز ارتحال استاد برجسته حوزه علمیه؛ محمدحسین حشمت‌پور(ره)، به سراغ یکی از شاگردان مبرز و همنشین دیرین ایشان، حجت الاسلام سید محمود موسوی شاهرودی رفتیم تا از خاطرات ۴۸ سال همراهی با این استاد فرزانه بگوییم.

مدیر سابق مرکز اسلامی نیویورک در این گفت‌وگوی صمیمی، از ویژگی‌های منحصر به فرد استادش در تدریس، اخلاق و مدیریت زمان می‌گوید و بر ضرورت حفظ میراث علمی این چهره ماندگار حوزه تأکید می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید، مشروح این گفت‌وگوی خواندنی است با استاد حجت الاسلام موسوی شاهرودی.

■ درس بی‌تعطیلی

حجت الاسلام موسوی شاهرودی با اشاره به آشنایی ۴۸ ساله خود با استاد حشمت‌پور(ره) می‌گوید: آشنایی من با ایشان به سال ۱۳۵۶ بازمی‌گردد. استاد در آن زمان حوزه‌ای گرم و پررونق در مشهد داشتند. من در درس لمعه ایشان شرکت می‌کردم. وی در

بود در بیان مطلب و استخراج مفاهیم از عبارات، مهارت و استعداد خاصی پیدا کنم. ایشان تمام کتاب‌هایی را که خدمت استادی نخوانده بودند، خود مطالعه می‌کردند؛ مطالب را شخصاً درک و تحلیل و سپس در امتحانات شرکت می‌کردند و قبول می‌شدند. نکته جالب توجه آن بود که ایشان در یکی از مصاحبه‌هایشان می‌فرمودند: «درس‌های راهنمایی و دبیرستان را که مطالعه می‌کردم و در پایان سال امتحان می‌دادم، هیچ گاه سبب نمی‌شد درس‌های حوزه‌ام تعطیل شود.

فقط در ۱۵ روز پایانی سال، یعنی ایام امتحانات، همراه درس‌های حوزه آن دروس را مطالعه می‌کردم و شبانه امتحان می‌دادم». حجت‌الاسلام موسوی شاهرودی در مورد نقش استاد حشمت‌پور (ره) در زمینه‌های علمی در قم و نحوه ورود ایشان به حوزه‌های جدید مثل فلسفه می‌گوید: ایشان در فقه مهارت بالایی داشتند و تدریس فقه ایشان در مشهد بسیار مورد توجه قرار گرفته بود.

پس از آمدن به قم، تدریس «رسائل»، «مکاسب» و «کفایه» را آغاز کردند و طلبه‌های فاضلی در جلسات درسی ایشان شرکت می‌کردند. ایشان علاقه‌مند شدند مدتی به دروس فلسفه بپردازند. تصمیم اولیه ایشان این بود که فقط یک سال فلسفه بخوانند اما این تصمیم به حدود پنج سال حضور در جلسات استادان برجسته‌ای مانند آیت‌الله العظمی جواد آملی و آیت‌الله حسن‌زاده آملی انجامید.

ایشان بخشی از این دروس را نیز از طریق نوار دنبال کردند. در نهایت، به دلیل درخواست مکرر طلاب برای تدریس فلسفه، به تدریج به تدریس این حوزه روی آوردند و به آرامی در این مسیر گام نهادند.

■ ضرورت حفظ میراث علمی ایشان

وی به عنوان یکی از نزدیکان استاد حشمت‌پور (ره) درباره ویژگی برجسته ایشان که بیش از همه در جذب شاگردان مؤثر بود و اینکه برای حفظ آثار علمی این استاد بزرگ چه اقدام‌هایی را پیشنهاد می‌دهد، ابراز می‌کند: آنچه بیش از هر چیز در شخصیت استاد حشمت‌پور (ره) جلوه داشت و شاگردان را به ایشان جذب می‌کرد، تواضع، اخلاق نیکو و تقوای عمیقشان بود.

سیر و سلوک ایشان به گونه‌ای بود که همواره با طلبه‌ها با احترام و بزرگواری رفتار می‌کردند و هرگز توقعی از شاگردان نداشتند، بلکه خود را مدیون آنان می‌دانستند.

در مورد حفظ میراث علمی استاد به نظر می‌رسد باید گروهی تشکیل شود و نخستین اقدام، جمع‌آوری دفترهای درسی ایشان در مشهد و قم باشد؛ چراکه این کار هنوز امکان‌پذیر بوده زیرا زمان زیادی از رحلت ایشان نگذشته است. برخی از دوستان نیز از محل نگهداری این آثار از جمله طرح‌های فقهی و اصولی، دروس سطح عالی ادبیات در مشهد و درس‌های خارج اطلاع دارند.

گام بعدی، ساماندهی این آثار توسط افرادی متخصص در فقه و اصول است. همچنین کسانی که در فلسفه تبحر دارند می‌توانند نوشته‌های فلسفی استاد را که با دقت فراوان تألیف شده، تنظیم و آماده چاپ کنند. علاوه بر این، تدریس‌های ضبط شده ایشان گنجینه‌ای ارزشمند است که پیاده‌سازی و انتشار آن می‌تواند برای جامعه علمی بسیار مفید باشد.

خویش می‌نگاشتند که حاوی نکات دقیق و ظریف علمی بود. نوشته‌های ایشان از این دوران عمدتاً موجود است، هر چند متأسفانه برخی از دفترهای درسی ایشان به دلیل خصلت اخلاقی خاصی که داشتند یعنی تمایل به در اختیار قرار دادن آن‌ها برای طلبه‌ها، اکنون در دست دیگران است. ایشان تمامی درس‌های ادبیات و سطوح عالی و خارج را به همین شیوه دقیق می‌نوشتند. با این حال اکنون بسیاری از آن دفترها دست طلبه‌هاست و به راحتی قابل دسترسی نیست. وی درباره پشتکار و استعداد درسی مرحوم حشمت‌پور و اینکه آیا این مهارت از دوران کودکی در ایشان وجود داشت؟ تصریح می‌کند: ایشان از سن پایین توانایی خاصی در فراگیری، پشتکار و تدریس داشتند و می‌توانستند مطالب مشکل را خودشان کشف کنند. نکته جالب اینکه ایشان دارای دو دیپلم ریاضی و تجربی بودند بدون آنکه حتی یک سال در کلاس‌های رسمی راهنمایی و دبیرستان حضور داشته باشند. از مقطع راهنمایی تا دیپلم هیچ گاه در کلاس درس ننشستند و تمام این مراحل را به صورت مطالعه شخصی و با شرکت در امتحانات شبانه در مدارس فوق‌العاده طی کردند و موفق به دریافت مدرک شدند. در یکی از پرسش‌هایی که از ایشان داشتم پرسیدم: «شما تدریس را از چه زمانی آغاز کردید؟» ایشان پاسخ دادند: من از کلاس چهارم دبستان شروع کردم؛ گاهی همان زمان معلم از من می‌خواست مطالب را برای دیگران تدریس کنم. پس از آن در سن ۱۲ یا ۱۳ سالگی که طلبه شدم، هر درسی را که می‌خواندم همان زمان یا حتی پیش از

اتمام کامل آن،

شروع می‌کردم
به تدریس آن
برای دیگران.
همین کار
موجب شده

اینکه وقت ایشان را مراعات می‌کرد برای اینکه ایشان به کار درسیشان برسند ایشان بسیار ملاحظه می‌کرد که همسرشان به دروسشان برسند و چیزی مقدم بر کار علمی ایشان نباشد. به بچه‌ها سفارش می‌کرد که پدر را مواظب باشند تا پدر به کار درسیشان برسند؛ اگر ملاحظات همسر ایشان نبود قطعاً جناب آقای حشمت‌پور نمی‌توانستند این سال‌ها را محض در درس باشند و دروسشان بر هر کاری مقدم باشد! آقازاده‌های ایشان هم که دو فرزند پسر دارند مراعات می‌کردند و همین مراعات سبب شده بود آقای حشمت‌پور بتوانند تمام وقتشان را برای دروسشان بگذارند.

از دفتر یادداشت تا درس اخلاق ما از دوران تدریس و رفتار استاد با شاگردانشان شنیدیم. کمی درباره دوران شاگردی خودشان صحبت کنیم. استاد حشمت‌پور در زمان تحصیل چه شاگردی بودند؟ حجت‌الاسلام موسوی شاهرودی اظهار می‌کند: استاد حشمت‌پور در ابتدا شاگرد درس خارج آیت‌الله میلانی و آیت‌الله فلسفی در مشهد بودند. پیش از آن دروس سطح را نزد استادان بزرگ و شناخته شده مشهد گذرانده و ادبیات عرب را نیز نزد استاد ادیب نیشابوری آموخته بودند از جمله حاشیه مغنی، مطول و قوانین را تقریباً به طور کامل نزد ایشان خوانده بودند مثلاً از مغنی حدود ۶ باب را فرا گرفته، مطول را به طور کامل خوانده بودند و قوانین را نیز به همین ترتیب. یکی از ویژگی‌های برجسته ایشان در زمان تحصیل این بود که تمامی درس‌ها را از ابتدا تا انتها یادداشت می‌کردند به گونه‌ای که حتی جملاتی مانند «تا اینجا بس است» را نیز می‌نوشتند. این دقت و پشتکار از جمله خصلت‌های بارز استاد در دوران تحصیل بود.

حجت‌الاسلام موسوی شاهرودی درباره اخلاق و شخصیت مرحوم حشمت‌پور در محیط درس و زندگی روزمره می‌گوید: ایشان از نظر اخلاقی، انسانی بسیار متواضع، مؤدب و مبادی آداب بودند. در تمام سال‌هایی که در درس ایشان شرکت می‌کردیم و من نیز سال‌ها با ایشان هم‌اتاق و هم‌خانه بودم؛ هرگز به یاد نمی‌آورم که حتی در یک مورد ناراحتی یا تندی در رفتار یا گفتارشان دیده باشم.

نه بی‌احترامی به شاگردی می‌کردند نه کنایه‌ای ناروا می‌زدند و نه حتی شوخی که موجب رنجش کسی شود اصلاً در رفتار ایشان نبود، رفتار ایشان با شاگردان همواره همراه با احترام و وقار بود. با وجود اینکه هیچ‌گاه کمک مالی از شاگردان دریافت نکرده و از شهریه حوزه نیز استفاده نمی‌کردند، اما خودشان را مدیون طلبه‌ها می‌دانستند.

گاه پیش می‌آمد اگر چند دقیقه‌ای در رسیدن به کلاس تأخیر می‌داشتند از شاگردان طلب رضایت می‌کردند. بارها و بارها دیده می‌شد که در حال راه رفتن مشغول مطالعه هستند یا در صف نانوایی به مطالعه می‌پردازند. حتی در اتوبوس و رفت و آمدها نیز لحظه‌ای از وقت خود را به بطالت نمی‌گذراندند.

■ تدریس و هوشیاری در راه علم

حجت‌الاسلام موسوی شاهرودی درباره اینکه استاد حشمت‌پور پس از آشنایی با محیط قم چگونه وارد فضای علمی شدند و این جابه‌جایی چه تأثیری بر روش تحصیل و تدریس ایشان گذاشت، می‌گوید: استاد پس از ورود به قم در درس آیت‌الله العظمی وحید خراسانی شرکت کردند و حدود ۱۰ تا ۱۵ سال در این جلسات علمی حضور مستمر داشتند. ایشان با جدیت تمام، تقریرات دروس را با دقت ثبت می‌کردند و در حاشیه کتاب‌ها و اوراق درسی، تعلیقات و حواشی ارزشمندی از برداشت‌های



آینه‌های حکمت

استاد حشمت‌پور؛ عارفی که در ایستاده‌هایش هم درس می‌داد وصیت پدرم را فراموش نکردم؛ هر لحظه فرصتی است برای علم و معرفت



و تحسین برانگیز دارا بودند. در باب مقام علمی ایشان، همین بس که در گستره‌ای وسیع از علوم اسلامی تبحری کم‌مانند داشتند؛ هم در علوم عقلی مانند فلسفه، کلام و عرفان و هم در دیگر شاخه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی. افزون بر این، استادی توانا و صاحب‌قلمی چیره‌دست بودند.

■ گستره بی‌نظیر تدریس ایشان

از زبان شاگردانشان بارها شنیده‌ام که استاد حشمت‌پور فرموده بودند: «هیچ کتاب مهمی در علوم عقلی نیست که حداقل یک بار آن را تدریس نکرده باشم».

این سخن، به تنهایی گویای عظمت علمی و وسعت دانش ایشان است. در تمدن اسلامی ما آثار فلسفی و عقلی بسیاری به عنوان متن درسی مطرح بوده و هستند. حتی تدریس یک بار این حجم از متون، آن هم در حوزه‌ای به دشواری علوم عقلی، به راستی امتیازی خارق‌العاده است.

این ویژگی، استاد حشمت‌پور را در زمره استادان کم‌نظیر، اگر نه بی‌همتا قرار می‌دهد؛ چراکه تدریس این علوم کار هر کسی نیست و تسلط بر چنین گستره‌ای از متون، شاهدهی زنده بر عمق دانش و جایگاه رفیع ایشان در حوزه‌های علمی است.

می‌شد، حضور یابم و بخشی از آن را با استفاده از تدریس عمیق و دقیق ایشان همراهی کنم. هر چند توفیق حضور شخصی در محضر ایشان برای بنده همواره فراهم نبود؛ اما پیش و پس از آن حضور کوتاه، از راه‌های فراوانی با مراتب علمی و اخلاقی استاد حشمت‌پور (ره) آشنا بودم؛ از جمله آثار نوشته و فایل‌های صوتی تدریس ایشان که از راه‌های مختلف به دست ما می‌رسید، همواره مورد استفاده و توجه من و دوستان بود.

استاد حشمت‌پور (ره) برای جامعه علمی کشور و به ویژه کسانی که در زمینه علوم عقلی؛ فلسفه، عرفان و سایر شعب مرتبط مشغول تحصیل، تدریس، تتبع و پژوهش بودند، نامی آشنا و معروف به شمار می‌آمدند. ایشان با وجود دقت علمی، گستردگی دید و تسلط ویژه بر مباحث عرفانی و فلسفی، نه تنها به عنوان یک مدرس؛ بلکه به عنوان یک استاد متضلع و فرزانه شناخته می‌شدند. اگر نتوان گفت بی‌نظیر، حداقل به حق کم‌نظیر محسوب می‌شدند.

■ استاد حشمت‌پور؛ جامع علم و عمل

استاد حشمت‌پور شخصیتی کامل و کم‌نظیر بودند؛ هم در مراتب علمی عالی و هم در فضایل اخلاقی و عمل به دانش، که هر دو را به صورت برجسته

در سکوت آستانه کلاس، پیش از آمدن شاگردان، مردی ایستاده بود با دفتر و قلمی در دست؛ نه منتظر که مشغول نوشتن.

این تصویر ماندگار از استاد حشمت‌پور، روایتگر زندگی‌ای بود که هر ثانیه‌اش وقف علم شد؛ از توحید صدوق تا نه‌ایة‌الدرایه، از تدریس تمام شفای ابن‌سینا تا وصیت پدری که گفت: «حتی یک لحظه از علم غافل مشو». اینجا روایت ارادت شاگردی است که شیوه‌ای نو از معلم بودن را از محضر این استاد کم‌نظیر آموخت. دکتر حسین کلباسی اشتری، استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی (ره) از استاد این گونه می‌گوید:

■ استاد حشمت‌پور، استاد فرهیخته و دانشمند علوم عقلی

توفیق استفاده از محضر مبارک ایشان را به صورت مستمر و طولانی نداشتم؛ اما در یک فرصت کوتاه و فشرده موفق شدم در کنار گروهی از فضلا و دانشجویان حوزه علمیه قم، در درس «المشاعر» ملاصدرا که توسط این استاد فرهیخته تدریس



■ استاد حشمت‌پور(ره)؛ چهره‌ای فراموش‌نشدنی از عالمان سده بیستم

استاد حشمت‌پور(ره) نه تنها در علوم عقلی؛ بلکه در دیگر رشته‌های علمی چون فقه، اصول، کلام و عقاید و حتی علمی چون ریاضیات و هیئت نیز صاحب‌نظر و مربی ممتازی بودند. کتاب‌هایی چون «شفا»ی ابن سینا که یک دایرةالمعارف جامع از علوم زمان خود به شمار می‌رود و شامل منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات است، ایشان تمامی بخش‌های آن را تدریس کرده بودند؛ کاری که از لحاظ علمی و تخصصی نه تنها گسترده؛ بلکه عمیقاً متقاضی دقت و تسلط فراوان است.

کتاب‌هایی چون «توحید صدوق» در علم کلام، «کشف‌المراد» در کلام اسلامی، «خلاصة الحساب» اثر شیخ بهایی در ریاضیات و حتی متونی چون «نهایةالدرایه» مرحوم آقا شیخ محمدحسین اصفهانی در علم اصول فقه را ایشان با تسلط کامل و با نظر شخصی عمیق تدریس می‌کردند.

در مقام تفسیر، تبیین و ایضاح مطالب، نه تنها نظر خاص خود را ابراز کرده؛ بلکه به شکلی حکیمانه، دیدگاه‌های مختلف را معرفی می‌کردند و گاه نظر

خود را در میان دیگران قرار داده و اجازه می‌دادند شاگردان بر اساس استدلال و تحقیق، خود به استنباط و برداشت بپردازند.

این جامعیت علمی در دوره‌ای که علوم به شاخه‌های محدود و جدا از هم تقسیم شده‌اند و هر فرد فقط به یک شعبه اکتفا می‌کند، واقعاً چشمگیر و غیرمعمول است.

این ویژگی در شخصیت علمی استاد حشمت‌پور(ره) نه تنها نادر بود؛ بلکه می‌توان گفت کم‌نظیر و شاید در نوع خود بی‌نظیر محسوب می‌شد. اما نکته‌ای که از علم فراتر می‌رفت، ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ایشان بود.

استاد حشمت‌پور در عمل، نمونه‌ای برجسته از عالم وارد در علم و در عین حال، عابد حقیقی در زندگی

روزمره بودند. برای طلاب، دانشجویان و فضلا، ایشان در رفتار، بیان و حتی در دقایقی که مشغول تدریس بودند، الگویی اخلاقی و نمونه‌ای از مکارم اسلامی به شمار می‌رفتند.

ایشان به این معروف بودند که حتی در موقع تدریس، به دیوار تکیه نمی‌کردند و همواره در وضعیتی مستقر و با وقار سخن می‌گفتند. کلام و بیان ایشان از چنان تواضع علمی برخوردار بود که کوچک‌ترین اثری از ادعا، منیت یا تعصب در بیان نظرات دیده نمی‌شد.

همان‌طور که می‌دانیم، هرکس صاحب‌نظر باشد، طبیعتاً دارای چارچوبی فکری بوده و ممکن است نسبت به دیدگاه خودش اصرار نیز داشته باشد؛ اما استاد حشمت‌پور(ره) در مقام تبیین مباحث علمی و ارائه دیدگاه‌های مختلف همواره نهایت تواضع را به خرج می‌دادند.

نظرات خود را به عنوان آخرین کلمه و قطعی ارائه نمی‌کردند؛ بلکه آن‌ها را کنار دیدگاه‌های دیگر قرار می‌دادند و می‌فرمودند: «حالا استنباط ما از این مطلب چنین است» یا «این برداشت ما از مطلب است». به این ترتیب ایشان نه تنها دیدگاه خود را برجسته می‌کردند؛ بلکه فضای علمی را برای تفکر و استنتاج شاگردان باز می‌گذاشتند.

این ویژگی؛ ترکیبی از علم عمیق و اخلاق والا را می‌توان یکی از مهم‌ترین خصایص شخصیت علمی و انسانی استاد حشمت‌پور(ره) دانست؛ شخصیتی که یاد و نامش در تاریخ علم و اخلاق حوزه‌های عقلی ایران جایگاه والایی دارد.

■ وصیت پدر؛ چراغ راه استادی

بی‌همتا

یکی از دوستان ما

خاطره‌ای را از استاد

نقل می‌کرد.

در دورانی

که استاد

حشمت‌پور در واحد تربیت مدرس قم تدریس می‌کردند و دانشجویان دوره دکترا از حضور ایشان بهره می‌بردند، او یک روز زودتر از وقت تعیین شده به کلاس رسیده بود. می‌گفت پیش از ورود دیگران، به اتاق تدریس آمدم و دیدم استاد حشمت‌پور قبلاً رسیده‌اند؛ اما این‌طور نبود که منتظر باشند یا فقط سکوت کنند؛ بلکه در حالت ایستاده، یک دفترچه، یک برگه و یک قلم در دست داشتند و مشغول یادداشت‌برداری و تأمل در مطالب علمی بودند. ظاهراً فرصت میان رسیدن به کلاس و شروع درس را مغتنم شمرده و به جای گذراندن وقت در بیکاری، آن را صرف یادداشت و تفکر عمیق کرده بودند.

من که این صحنه را دیدم، به گونه‌ای احترام‌آمیز و متواضعانه از ایشان خواستم بفرمایند و بنشینند تا من هم راحت‌تر وارد کلاس شوم. استاد حشمت‌پور نیز با آن آرامش و حلم مخصوص پاسخ دادند: «پدرم به من وصیت کرده بود در هیچ لحظه‌ای از عمرم از تحصیل و کار علمی فارغ نباشم. پس چه بسا حالا که فرصتی دست داده، باید از آن بهره ببرم و به وصیت پدرم عمل کنم».

این خاطره، تنها یک نمونه از آن برجستگی‌های علمی و اخلاقی استاد حشمت‌پور(ره) است. ایشان در تمام طول روز و در هر لحظه‌ای از وقت خود، به گونه‌ای با کار علمی و مطالعه مشغول بودند. هیچ لحظه‌ای از عمرشان بدون فکر، مطالعه، یادداشت و بدون حرکت به سوی حقیقت و معرفت نبود. تمام اوقات ایشان مملو از طلب علم و معرفت بود و هیچ‌گاه وقتی را به بی‌مبالاتی و فراموشی نسپرده و آن را بدون استفاده نگذاشته بودند. زندگی ایشان؛ همه و همه وقت زیر سایه یک هدف واحد قرار داشت: طلب حق، طلب معرفت و البته همان‌طور که پیش‌تر هم گفتم، طلب تکامل معنوی و اخلاقی. تمام هم و غم وجودشان، تحقق دانش و تربیت روح بود. این همان تواضع، انضباط و التزامی است که ایشان را از دیگران متمایز می‌کرد و نامشان را در میان عالمان و محققان، ماندگار کرد.



از زبان شاگردان

تدریس حتی برای یک شاگرد

حجت الاسلام سید ابوالفضل سیدی

تدریس را به مناسبت‌های رسمی حوزه محدود نمی‌دانستند. در ماه رمضان، فصل تابستان، پنجشنبه‌ها و حتی برخی تعطیلات رسمی، کلاس درس برگزار می‌کردند. زمانی که با اصرار مسئولان حوزه علمیه مشهد، در آنجا شفا تدریس کردند، زهدشان اجازه نداد از امکانات آنجا استفاده کنند. برای محل سکونت، حجره ساده‌ای را انتخاب کردند. روش تدریسشان منحصر به فرد بود؛ به گونه‌ای که حتی نفهمیدن متن شفا را نیز لذت بخش می‌کرد. می‌گفتند: مرور زمان و آشنایی، فهم را آسان‌تر می‌کند و حتی تجربه سختی در فهم یک متن، در قدرت استدلال طلبه تأثیر می‌گذارد. حضور در کلاس درسشان، فارغ از آموزش علمی، آرامش روحی را به طلبه‌ها هدیه می‌داد.

اهمیتی نداشت؛ گاهی برای چهار یا پنج خط از شفا، سه یا چهار جلسه وقت می‌گذاشتند. پرکاری ایشان مثال‌زدنی بود. هر روز از ۷ صبح تا ۱۲ ظهر، چهار کلاس تدریس می‌کردند؛ دو کلاس شفا، یک اسفار، یک شرح منظومه. عصرها در دانشگاه یا فضای مجازی تدریس داشتند و شب‌ها مشغول مطالعه، نوشتن کتاب یا پاسخ‌گویی به طلبه‌ها بودند. منبع درآمد استاد تدریس در دانشگاه بود. خودشان نقل می‌کردند که رئیس دانشگاه قم هنگام پرداخت حقوقشان، به پاک و حلال بودن آن اطمینان می‌داد. جمود حوزوی یا دانشگاهی نداشتند. روزی که از ایشان درباره گرفتن مدرک دکترای سؤال کردم، نه تنها مخالفت نکردند؛ بلکه مرا به ادامه تحصیل تشویق کردند.

هفت سال شاگردی در محضر استاد حشمت پور، دریایی از خاطرات ماندگار را برپایم رقم زد؛ از صبوری و استقامت در تدریس تا زندگی ساده‌ای که الگوی واقعی طلبگی بود. با وجود ضعف جسمانی، هرگز از آسانسور استفاده نمی‌کردند و پله‌های مدرسه را با همان آرامش همیشگی طی می‌کردند. نه از آب و چای مدرسه استفاده می‌کردند و نه حتی در اتاق اساتید می‌نشستند. مستقیم وارد کلاس می‌شدند و پس از تدریس، بی‌هیچ توقیفی مدرسه را ترک می‌کردند. در تدریس، بی‌نهایت دقیق بودند. گاهی برای فهم یک یا دو خط از شفا، ساعت‌ها وقت صرف می‌کردند. در مسیر پیاده‌روی از خانه تا مدرسه یا حتی در وقت خرید مایحتاج روزانه، متن درس را همراه داشتند و مطالعه می‌کردند. فهم عمیق را اصل می‌دانستند. تعداد شاگردان برایشان اهمیتی نداشت. کتاب النفس شفا را سال‌ها تدریس کردند، حتی زمانی که تنها یک شاگرد داشتند. هیچ‌گاه درس را متوقف نکردند، صوت کلاس را خودشان ضبط می‌کردند.

در زندگی شخصی، زهد مثال‌زدنی داشتند. مشهور بود که دائم الصوم هستند؛ در تمام سال‌هایی که در محضرشان بودیم، ندیدیم چیزی میل کنند. پس از سکنه مغزی، تأکید داشتند ملاقات کنندگان، هیچ هدیه‌ای نیاورند. شنیدم برخی با خود چند کیلو آجیل ناب آورده بودند؛ اما استاد پس از رفتن آن‌ها، تمام آجیل را به طلبه‌ها دادند. ای کاش خانه ایشان موزه شود تا طلبه‌های آینده بدانند زندگی واقعی طلبگی یعنی چه. ایشان هرگز هنگام تدریس، حتی یک کلمه خارج از متن درس نمی‌گفتند. تنها بین‌الدرسین بود که خاطرات و نصایح خود را مطرح می‌کردند. وقت‌شناسی و استفاده حداکثری از لحظات عمر، از ویژگی‌های برجسته استاد بود. هرگز لحظه‌ای از عمرشان را به بطلان نمی‌گذراندند. در ایام کرونا نیز هیچ‌گاه دروس خود را تعطیل نکردند. تدریس را توفیقی می‌دانستند؛ همیشه حسرت می‌خوردند که فرصت تدریس برخی کتب مهم مانند جواهرالکلام و نه‌ایة‌الدرایه نصیبشان نشد. هر سال مقداری پول از جانب مدرسه خان به اساتید داده می‌شد؛ اما استاد آن را نمی‌گرفتند. برای شاگردان خود بی‌حد و حصر وقت می‌گذاشتند.

یکی از ویژگی‌های برجسته استاد، بذل و بخشش آثار علمی‌شان بود. اگر عالمی درخواست تقریرات علمی‌شان را داشت، بی‌درنگ در اختیار او قرار می‌دادند؛ اما متأسفانه برخی افراد از این سخاوت سوءاستفاده کردند و مجموعه‌ای از تقریرات درس خارج خمس مرحوم آیت‌الله میلانی که حاصل سال‌ها زحمت استاد بود، هرگز به ایشان بازگردانده نشد.

نشستن ایشان در کلاس، خود درسی از ادب بود. اگر ایستاده تدریس می‌کردند، تا پایان جلسه پشت تریبون بدون حرکت می‌ایستادند. اگر می‌خواستند بنشینند، دو زانو می‌نشستند. در تمام سال‌های تلمذ، هیچ‌گاه روی صندلی تدریس نکردند. در تدریس متون فلسفی، فوق‌العاده تحقیقی عمل می‌کردند. برای استاد کمیت متن خوانده‌شده



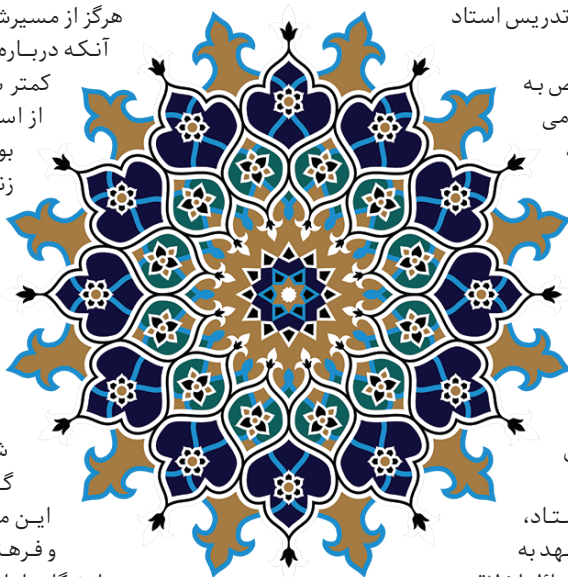
از زبان شاگردان

هرگز از مسیرشان دست نکشیدند

دکتر محسن جوادی، استاد حوزه و دانشگاه



شخصاً پیگیر مشکلات باشند. بارها شاهد بودم برای رفع مشکلات، از تهران تا شهرهای مختلف سفر می‌کردند. زندگی استاد پر از چالش‌ها و سختی‌ها بود؛ اما هرگز از مسیرشان دست نکشیدند. جالب آنکه درباره جایگاه برجسته پدرشان کمتر سخن گفتند. این نشانه‌ای از استقلال و وارستگی ایشان بود؛ فردی که برای نام و نسب زندگی نمی‌کرد؛ بلکه برای حقیقت نفس می‌کشید. امروز حفظ راه و روش ایشان یک وظیفه است. اگرچه مستندات زیادی از استاد باقی نمانده؛ اما درس‌گفتارها و آثار علمی ایشان به تدریج شناخته شده و مورد استقبال قرار گرفته است. امید دارم این مسیر بتواند سطح علمی و فرهنگی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها را ارتقا دهد و میراث استاد را زنده نگه دارد.



علم و تفکر می‌دیدند. ایشان عبادات پر زرق و برق را ملاک نمی‌دانستند؛ بلکه معتقد بودند حکمت و اندیشه، راهی برای نزدیکی به خداست. این نگاه، به وضوح در روش علمی و تدریس استاد متجلی بود. ایشان نگاهی خاص به عقلانیت و تمدن اسلامی داشته و معتقد بودند خردورزی، رکن اصلی دینداری است و فاصله گرفتن از آن، زمینه‌ساز افراط‌گرایی‌های خطرناک مانند داعش می‌شود. احیای این مسیر عقلانیت و تفکر، برای ایشان یک رسالت بود. از ویژگی‌های مهم استاد، مدیریت دقیق زمان و تعهد به عدالت بود. برای حل مسائل اخلاقی یا علمی حاضر بودند روزها وقت صرف کنند و

استاد حشمت پور نمادی از علم، تلاش و مدیریت مؤثر بودند؛ فردی که نه تنها در دانش؛ بلکه در اخلاق و منش عملی نیز برجسته بودند. آشنایی با ایشان، اگرچه از مسیر رسمی شاگردی نبود؛ اما برای من تجربه‌ای ارزشمند و آموزنده محسوب می‌شد. آنچه از استاد آموختم، فراتر از درس‌های معمول حوزه بود؛ درسی از زندگی، اخلاق و تعهد. دو ویژگی اصلی ایشان همواره برایم محسوس بود؛ نخست، استقامتی مثال‌زدنی در دفاع از حق. استاد هرگز از مسیر حق کوتاه نمی‌آمدند، حتی زمانی که تبعات سختی در انتظارشان بود. دعوت‌هایی که گاهی هزینه‌های سنگینی داشت، هرگز ایشان را از حقیقت دور نکرد. این پایداری برای تمام شاگردان و اطرافیان‌شان درس بزرگی بود. ویژگی دوم، عزم راسخ و جدیت در تدریس و آموزش بود. بسیاری تصور می‌کنند تدریس امری لذت‌بخش است؛ اما استاد حشمت پور با تحمل سختی‌ها، رسالت خودشان را در آموزش می‌دیدند. هیچ‌گاه سهل‌انگاری نمی‌کردند، هرگز شاگردان را از طرح پرسش‌های دقیق و عمیق باز نمی‌داشتند. در ۴۵ سال تدریس، هیچ هدیه‌ای از شاگردان نپذیرفتند. عدالت و صداقت را در روابط علمی، سرلوحه خودشان قرار داده بودند. در سبک زندگی معنوی، عبادات را نه در ظواهر؛ بلکه در

از زبان شاگردان

روشنی بی ادعا

دکتر محمد لنگنهاون، عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ره)

آثار علمی استاد حشمت پور در هندسه و فقه اسلامی همچنان از منابع اصلی و استنادی در فضای علمی شناخته می‌شوند. بسیاری از پژوهشگران امروز، مستقیم یا غیرمستقیم، مدیون تلاش‌های خالصانه اویند.

امیدوارم با بازتاب آموزه‌ها و اخلاق علمی ایشان، نسلی تازه با معیارهای والاتری آشنا شود. وظیفه ماست که چنین الگوهایی را زنده نگاه داریم تا راهشان ادامه یابد، نه تنها با کلمات، بلکه در عمل.

دیگران، چه استاد و چه شاگرد، همراه با فروتنی و ادب بود. از لحاظ علمی، بی‌تردید در رده نوابغ قرار داشت، اما هرگز تلاش نکرد این جایگاه را به رخ بکشد یا برای خود جایگاه تبلیغاتی بسازد.

ایشان نمونه‌ای ناب از کسی بود که به دنیا دل نبسته بود، نه اسیر تجملات و نه در پی تمایز ظاهری بود. زندگی‌اش را وقف علم و اخلاق کرد و همین روحیه بی‌نیازی موجب شد تا یاد و نامش در دل علاقه‌مندان به اندیشه و پژوهش حک شود.

استاد حشمت پور از چهره‌های نادری بود که در آن واحد، هم بر پیچیده‌ترین مباحث علمی تسلطی بی‌نظیر داشت و هم در زندگی شخصی‌اش تجلی فروتنی و ساده‌زیستی بود.

در آیین گرامیداشت ایشان که در دانشگاه معارف اسلامی برگزار شد، درباره این ویژگی‌ها سخن گفتم. ویژگی‌هایی که سال‌ها شاهدش بودم و به آن‌ها ارادت داشتم.

استاد با وجود عمق دانش در حوزه‌هایی چون هندسه و فقه اسلامی، هیچ‌گاه ذره‌ای از تواضع فاصله نگرفت. رفتارش با



هیچ روزی نباید بدون گفت‌وگوی علمی سپری شود

حجت الاسلام والمسلمین حسین مقیسه

و تدریس، همراهشان بود؛ الگویی که در شرایط مدرک‌گرایی امروز، بیش از همیشه نیازمند احیا شدن است.

امام محمدباقر (ع) فرمودند: شیعیان واقعی کسانی‌اند که در ستایش یا انتقاد دیگران، تغییر نکنند و همواره در مسیر رضای الهی گام بردارند. مرحوم استاد حشمت پور مصداق بارز این کلام بودند. فردی که نه تحت تأثیر ستایش قرار می‌گرفتند، نه در مواجهه با انتقاد از مسیر خود منحرف می‌شدند. ایشان نمونه‌ای از وارستگی حقیقی بودند؛ نه در کلام، بلکه در عمل.

ایشان، نه تنها برای هم‌مباحثه‌ها؛ بلکه برای تمامی طلبه‌هایی که شاهد رفتارشان بودند، تأثیرگذار بود. آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا...» مصداق تام زندگی ایشان بود. عمری را در تعلیم و تربیت حوزه و دانشگاه گذراندند و با سربلندی از دنیا رفتند. این همان «حیات طیبه»‌ای بود که قرآن وعده داده است. زیستی آمیخته با اخلاص، معرفت و عمل صالح. ایشان جلسات مباحثه را ضروری می‌دانستند و معتقد بودند هیچ روزی نباید بدون گفت‌وگوی علمی سپری شود. این روحیه‌ای بود که در تمام سال‌های تحصیل

مرحوم استاد حشمت پور الگویی کم‌نظیر از صداقت، سادگی و تلاش خالصانه در مسیر علم و ایمان بودند. از دوران نوجوانی، ویژگی‌های برجسته‌ای در وجود ایشان نمایان بود.

ویژگی‌هایی که در طول عمرشان نه تنها کمرنگ نشد، بلکه به ثمر نشست و شخصیتشان را به الگویی ماندگار تبدیل کرد. در سال‌های ۴۷ و ۴۸، در مدرسه علمیه حاج حسن مشهد، افتخار هم‌مباحثه بودن با ایشان را داشتم. هیچ‌گاه ندیدم که تعلق به دنیا داشته باشند یا در مسیر تحصیل لحظه‌ای غفلت کنند. در جلسات علمی، تواضع، دقت و جدیت

از زبان شاگردان

معلم متون دشوار

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد حسین شریفی، رئیس دانشگاه قم

نظیر شفا، اشارات، اسفار و قوانین، استادی کم مانند بود. او نه تنها خواندن متون دشوار را آموزش می داد، بلکه طعم فهم عمیق آن ها را نیز در جان شاگرد می نشانید. تسلطش بر عبارات و دقت در واژه گزینی، تجربه متن خوانی را بدل به تجربه ای معنوی می کرد.

امروز وظیفه خود می دانم که از خداوند متعال بخواهم توفیق معرفی و زنده نگه داشتن گنجینه ای چون او را به ما عطا کند. نسل امروز و فردا، بیش از همیشه نیازمند شناخت چنین الگوهایی است. الگوهایی که دانش را با اخلاق و فروتنی را با روشن بینی در آمیختند.

زبان خودشان نشنیدم که عضو هیئت علمی هستند. وقتی بعدها این موضوع را از مسیرهای دیگر شنیدم، تازه به عمق فروتنی شان پی بردم. استاد هیچ گاه اهل خودنمایی یا استفاده از عنوان نبود. سکوتی داشت که از معنا لبریز بود؛ سکوتی که بیشتر از هزاران سخن، دانش و بزرگی اش را فریاد می زد. متأسفانه برنامه ای که قرار بود سه ماه پیش از رحلت ایشان برای بزرگداشتشان برگزار شود، به دلایل مختلف به تأخیر افتاد و فرصت از دست رفت.

این گونه بی مهری ها در قبال بزرگان، در زمان حیاتشان، همواره جای تأسف داشت و دارد. اکنون که دیگر در میان ما نیست، سنگینی فقدانش را در فضای دانشگاه و حوزه حس می کنیم. در انتقال مفاهیم پیچیده فلسفی

استاد حشمت پور بی تردید از نوادر روزگار ما بود. از آن شخصیت هایی که ترکیب علم عمیق، فروتنی در رفتار و صداقت در زیست را در خود جمع کرده بود.

هر چند پس از رفتن ایشان سعی کردم از عمق فقدان چنین چهره ای در بزرگداشت ایشان بگویم؛ اما هیچ بیانی قادر نیست آنچه او بود را تمام و کمال وصف کند.

نخستین آشنایی من با ایشان به اوایل دهه ۷۰ بازمی گردد؛ حدود سال های ۱۳۷۰ یا ۱۳۷۱. در آن ایام، توفیق یافتم در محضرشان به مطالعه مباحث الهیات و برهان شفا پردازم. بخشی از اشارات را نیز نزد ایشان آموختم.

این ارتباط علمی و معنوی، محدود به سال های تدریس نبود؛ تا سال های اخیر نیز گهگاهی خدمتشان می رسیدم، زیارتشان می کردم و از محضرشان بهره می بردم. دیدارهایی که همواره لبریز از متانت، درک عمیق و آرامش درونی بود.

با اینکه بیش از سه دهه با ایشان در ارتباط بودم، هیچ گاه از



منشأ اثر بود

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا کریمی والا،

رئیس دانشکده معارف اسلامی دانشگاه قم

آنکه در کلام معرفی شوند، در عمل دیده می شدند. آیه شریفه «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» به بهترین شکل بر زندگی ایشان منطبق است. استاد، هم ایمان استوار داشتند و هم دانش عمیق و این دو ویژگی را در طول حیات خود، با اخلاص و بدون لحظه ای توقف، به کار گرفتند. استاد حشمت پور، نامی که با علم و اخلاق پیوند خورده و تا همیشه در یادها باقی خواهند ماند.

استاد حشمت پور الگویی تمام عیار از وارستگی، علم و تواضع بودند. عمر خود را در راه سربلندی و خدمت به دین گذراندند و شخصیتی داشتند که نه تنها در فضای علمی؛ بلکه در میان شاگردان و همکارانشان منشأ اثر بودند.

ایشان انسانی وارسته، متواضع و سرشار از معرفت بودند. از دل بستگی های دنیوی رها بودند و هیچ گاه به ظواهر یا جایگاه اجتماعی وابسته نبودند. این صفات، ایشان را به الگویی کامل برای جامعه علمی و فرهنگی تبدیل کرد؛ شخصیتی که بیش از

گنجینه‌های خرد

در سایه‌سار حکمت

استاد حسین لطیفی از خاطرات تلمذ و گنجینه‌بی‌بدیل درس گفتارهای استاد می‌گوید



در حریم آموزه‌های ناب حکمت و معارف اسلامی، استاد حشمت‌پور نه تنها استادی مفسر، که چراغ دار متون نادر و سترگ اندیشه اسلامی بودند. آنچه پیش رو دارید، روایتی است گرانقدر از زبان استاد حسین لطیفی، شاگردی که حدود ۳۰ سال پیوسته (۱۴۰۴-۱۳۷۴) در حلقه درس آن حکیم فرزانه نشست و اکنون با زبان ارادت و دیده‌ای آشنا، همواره تدریس‌های استاد و ویژگی‌های منحصر به فرد این گنجینه علمی را روایت می‌کند. شرح همراهی علمی او و فهرست کم‌نظیر آثار تدریس شده استاد، سندی زنده بر عظمت این معلم یگانه است.

بخش یکم: سفر تلمذ؛ از نفس شفا تا خطابه شفا

استاد محمدحسین حشمت‌پور شاید گمنام‌ترین حکیم معاصر ایران باشند. یکی از بهترین و معتبرترین مدرسان علوم عقلی در ایران که بسیاری از کتب مهجور علوم اسلامی را با تبحر مثال‌زدنی تدریس کردند که از آن جمله می‌توان به تراث فلسفی، منطقی، کلامی، عرفانی، هیئت و نجوم، ریاضیات و مانند آن اشاره کرد. ایشان بیش از پنج دهه از عمر شریف خویش را به تحصیل و تدریس علوم عقلی و نقلی اختصاص دادند. آشنایی بنده با استاد به نیمه اول دهه ۷۰ برمی‌گردد و این آشنایی تا زمان رحلت آن استاد ادامه داشت. در این مدت در برخی از دروس استاد شرکت و تلمذ داشته‌ام. در سال ۷۴ شمسی، مباحث مربوط به «نفس» از کتاب شفای بوعلی سینا را از محضر مبارک استاد تقریر کردم و این همراهی علمی تا زمان رحلت جانگداز استاد، پیوسته ادامه داشت. توفیق دیگری که رفیق راهمان شد، خدمتگزاری به محضر استاد در «بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی» به امر تولیت محترم آن آستان مقدس، به‌ویژه در اواخر عمر شریف و پربرکت استاد بود. در آن بنیاد، بخشی از مباحث منطق شفای ابن‌سینا، از جمله «فن خطابه» و «بحث جدل» را برگزار کردیم و ایشان این دروس را در بنیاد برای برخی از طلاب، دانشجویان و اساتید منطق تدریس

می‌فرمودند. قصد و برنامه بر این بود که استاد، مباحث بعدی و دروس دیگری همچون «عیون اخبار الرضا (ع)» شیخ صدوق و تفسیر «مجمع البیان» مرحوم طبرسی و «اساس الاقتباس» خواجه نصیرالدین طوسی را نیز در بنیاد تدریس کنند که متأسفانه این توفیق میسر نشد.

بخش دوم:

گنجینه‌ای که کمتر شناخته شد
درس گفتارهای ماندگاری از آثار متعددی در علوم گوناگون از فلسفه،

کلام، عرفان، اخلاق، فقه، حدیث، تفسیر، طبیعیات، ریاضیات و حتی موسیقی، هیئت و نجوم از آن مرحوم به یادگار مانده است. در زمینه معرفی این آثار گرانسنگ، اگرچه در برخی مصاحبه‌های منتشر شده از استاد در فضای مجازی، نکاتی توسط اساتید، دوستان و علاقه‌مندان به ایشان بیان شده، اما بنده کمتر دیده‌ام که به‌طور خاص درباره «درس گفتارهای» ایشان سخنی گفته شده باشد.

بخش سوم: میراثی بی‌همتا در تدریس متون نادر

در بیان ویژگی‌های منحصر به فرد این درس گفتارها در ادامه لیستی از این مباحث درسی که مشتمل بر بیش از ۵۰ متن تدریس شده توسط استاد است. برخی از این درس گفتارها دارای ویژگی خاص و منحصر به فردی هستند. خود استاد بارها تصریح می‌فرمودند: «این متون را اگر من تدریس نکنم،

دیگران تدریس نخواهند کرد». واقعاً هم به همین شکل بود. استاد برخی از متونی را تدریس کردند که شاید بتوان گفت در طول تاریخ تألیف آن اثر، سابقه تدریس آن را در هیچ شهر یا محفلی سراغ نداریم. استاد بارها سر درس یا در اوقات دیگر می‌فرمودند دیشب نخوابیدم تا متوجه شوم این دو سطر سخنان چه می‌خواهد به ما بگوید و گاهی نیز با ناراحتی از ابن‌سینا یاد می‌کردند.

بنده بارها از استاد شنیدم که می‌فرمودند: ابن‌سینا در انتهای اشارات گفته است عمداً این مطالب را سنگین نوشته‌ام، زیرا انسان‌ها سه گروه‌اند؛ یک گروه کسانی هستند که استعداد خوبی ندارند؛ اگر وارد این علوم شوند، بدون اینکه تصمیم داشته باشند، منحرف می‌شوند. به همین دلیل طوری نوشته‌ام که این‌ها نفهمند، منصرف شوند و بروند. گروهی دیگر هستند که استعداد خوبی دارند اما به دنبال مقام هستند و می‌خواهند شیادی کنند. اگر ساده می‌نوشتیم این‌ها با علم سوار مردم می‌شدند. گروه سومی هستند که هم استعداد دارند و هم قربت الی‌الله درس می‌خوانند. این کتاب را برای آن‌ها نوشته‌ام. در نهایت هم کسانی را که این کتاب را به دسته‌های اول و دوم آموزش بدهد، نفرین می‌کند.

توفیق دیگری که رفیق راهمان شد، خدمتگزاری به محضر استاد در «بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی» به امر تولیت محترم آن آستان مقدس، به‌ویژه در اواخر عمر شریف و پربرکت استاد بود. در آن بنیاد، بخشی از مباحث منطق شفای ابن‌سینا، از جمله «فن خطابه» و «بحث جدل» را برگزار کردیم و ایشان این دروس را در بنیاد برای برخی از طلاب، دانشجویان و اساتید منطق تدریس می‌فرمودند.



گنجینه‌های خرد

درس گفتارهای ارزشمندی که به یادگار مانده‌اند



نکته شایان ذکر اینکه، وقتی از «آثار» استاد سخن می‌گوییم، مراد اصلی همین درس گفتارهای ارزشمند ایشان و برخی دست‌نوشته‌های استاد است که تاکنون منتشر نشده‌اند. البته از استاد آثار مکتوبی که چاپ شده باشد تنها چند مقاله و دو سه اثر که برگرفته از درس گفتارهای ایشان بوده است تدوین و توسط برخی ناشران منتشر شده است، ولی تا آنجایی که بنده اطلاع دارم؛ یعنی بارها از استاد شنیده‌ام ایشان از نشر آن آثار رضایت خاطری نداشته‌اند و می‌فرمودند بسیاری از مباحث درس گفتارشان تقطیع شده است و امیدوار بودند آثارشان از سوی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی منتشر شود و ظاهراً این مسئله را در برخی از مصاحبه‌هایشان اذعان و تصریح کردند. شوربختانه در این مورد، یعنی تدوین آثارشان بسیاری بوده‌اند که درس گفتارهای استاد را به نام خود به عنوان پایان‌نامه و یا اثر تألیفی چاپ و منتشر کرده‌اند. اما با توجه به زهد و بی‌اعتنایی به نام و نشان، برای ایشان مهم نبود کسی آثارشان را به نام خود بنامد و هیچ برخورد بدی با این افراد نداشتند. البته در یکی دو مورد استاد بسیار دلگیر، ناراحت و ناراضی بودند. یکی تقریرات درس آیت‌الله العظمی میلانی (ره) بوده است که یکی از هم‌دوره‌های ایشان از ایشان برای مطالعه به امانت می‌گیرد و هیچ‌وقت عودت نداد. دوم اینکه استاد برای شخص معلوم الحالی تدریس خصوصی داشتند و این دروس ظاهراً ضبط هم می‌شده و او پس از استخراج مطالب و تدوین دروس و ثبت به نام خویش، نوارهای صوتی دروس مربوط را از بین می‌برد.

در اینجا به معرفی اجمالی برخی از آثاری که استاد در طول حیاتشان تدریس کرده‌اند، می‌پردازیم و در پایان در یک طبقه‌بندی دانشی، کل متون تراثی اسلامی را که توسط استاد تدریس شده است نشان خواهیم داد.

■ از «منطق شفا» تا «رساله وجود»

یکی از آثار مهم منطقی کتاب سترگ شفا ابن سینا که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته یا به عبارتی بیشتر در حاشیه مانده، «منطق شفا» است. این اثر جزو متون بنیادین فلسفه و منطق اسلامی محسوب می‌شود، اما تا به امروز شاهد نبوده‌ایم کسی روی آن شرح، حاشیه، ترجمه یا تعلیقی ارائه دهد. در این میان، استاد حشمت پور (ره) موفق به تدریس این اثر شدند و از خود گنجینه‌ای ارزشمند به یادگار گذاشتند. این گفتارها اهمیت بسزایی برای استادان و دانشجویان فلسفه و منطق دارد. تاکنون هیچ کس این اثر منطق ابن سینا را از زمان تألیف تا به امروز به صورت عمیق و جامع شرح یا تحلیل نکرده است. البته باید اشاره کرد یکی از دلایل این عدم توجه، دشواری ذاتی این اثر است. استاد بارها در طول تدریس به این موضوع اشاره کردند که ابن سینا مباحث منطقی را با استفاده از اصطلاحات و امارات بسیار پیچیده مطرح کرده است. گاهی اوقات نقل‌هایی در فضایی مجازی از انتقادهای استاد نسبت به ابن سینا دیده یا شنیده شده است، اما باید تأکید کرد این گونه برداشت‌ها نه تنها از گفتارهای مستقیم استاد نشأت نگرفته، بلکه بیشتر نتیجه تفسیرهای غلط یا بیرون از زمینه گفتار ایشان است. استاد صرفاً به خاطر سختی و پیچیدگی این متن، گاهی نظراتی را برجسته می‌کردند، بدون آنکه منظورشان تعرض به ابن سینا باشد.

استاد بارها یادآور می‌شدند روزانه ساعات زیادی را صرف فهم دقیق مطالب این اثر می‌کردند و بسیاری از مباحث آن به حدی دشوار بود که حتی پس از وقت‌های طولانی تأمل، منظور ابن سینا کاملاً روشن نمی‌شد. این امر خود مؤید آن است که «منطق شفا» یکی از متون مشکل‌آفرین و بغرنج تاریخ فلسفه و منطق اسلامی محسوب می‌شود. ضمن اینکه باید توجه

این فنون را تدریس کرده‌اند، به جز میحث قیاس که در سال ۱۴۰۳ حدوداً نصف این کتاب تدریس شد و پس از آن به سبب بیماری و در نهایت فوت استاد، این دوره به اتمام نرسید. این گفتارها، یادگاری باارزش از استاد هستند که در اختیار ما قرار گرفته و می‌توانند نقطه عطفی در فهم عمیق‌تر «منطق شفا» و متون منطقی-فلسفی قرار گیرند.

الهیات «شفا» از جمله آثار مهمی که از استاد به یادگار مانده و تدریس فرمودند، الهیات شفاست. این بحث به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحثی که از استاد به یادگار مانده، دارای اهمیت بالایی است. همچنین این بحث یکی از بنیادی‌ترین و عمیق‌ترین بخش‌های خود کتاب «الشفا» نیز محسوب می‌شود. لازم به ذکر است کتاب «الشفا» تنها شامل الهیات نیست، بلکه این کتاب مشتمل بر ۱۰ مقاله است که استاد موفق به تدریس تمامی این ۱۰ مقاله شدند و از خود به یادگار گذاشتند. این امر حاکی از عمق دانش و تسلط استاد بر کلیه بخش‌های این اثر است.

یکی از مهم‌ترین آثار فلسفی ابن سینا، کتاب «اشارات و تنبیهات» بوده که مورد توجه بسیاری از استادان فلسفه قرار

داشت، این نوع نگارش دشوار خصوصیت اصلی این گونه متون بوده و فقط مختص «منطق شفا» نیست. این اثر شامل ۹ فن است که هر کدام با دقت و عمیق توسط استاد تدریس شده و در قالب گفتارهایی به یادگار مانده است. فن اول در مدخل منطق یا همان «ایساغوجی» است که درباره فایده (هدف علم)، موضوع علم منطق و مباحث کلیات پنج‌گانه صحبت می‌کند. فن دوم به مقولات اختصاص دارد و در آن اجناس عالی و ماهیات ممکنه مورد بررسی قرار می‌گیرند. فن سوم شامل قضایای منطقی است. فن چهارم به تحلیلات می‌پردازد و در آن صورت مطلق و انواع آن مورد بحث قرار می‌گیرد. فن پنجم نیز در تحلیلات دوم است، جایی که برهان یعنی قیاسی که مقدماتش قضایای یقینی باشد مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فن ششم به قیاس جدلی می‌پردازد و فن هفتم به مغالطه‌ها و انواع آن. فن هشتم به مباحث هستی‌شناسی اختصاص دارد و فن نهم آخرین بخش این اثر را تشکیل می‌دهد و درباره شعر، تعریف آن، انواع صنایع شعری و اغراض کلی شاعران صحبت می‌کند.

بنابراین «منطق شفا» این ۹ فن را در بر دارد و استاد تمامی

گنجینه‌های خرد



است. استاد توانستند این مجلدات را به طور کامل و دقیق تدریس کنند. البته بنده از تدریس سایر مجلدات اسفار اربعه اطلاعی ندارم. از جمله آثار فلسفی دیگری که از مجموعه آثار ملاصدراست، می‌توان به «اسرار الآیات»، «رساله حدوث» و «کتاب مبدأ و معاد» اشاره کرد. همچنین از دیگر آثار فلسفی که استاد حشمت‌پور تدریس کردند، کتاب «حکمت الاشراق» سهروردی است. ایشان همچنین کتاب «التلویحات اللوحیة والعرشیة» از سهروردی را تدریس داشتند و علاوه بر آن، کتاب «شرح منظومه» اثر ملاهادی سبزواری را نیز در دستور کار قرار دادند. کتاب‌های «رساله سبیل الرشاد» و «رساله وجود» از آثار فیلسوفان مکتب فلسفی تهران از جمله آقاعلی زنوزی را نیز استاد تدریس کردند. یکی از آثار دیگر فلسفی که ایشان تدریس کرده‌اند، کتاب «المله» اثر ابوالنصر فارابی بوده است. در حوزه دانش کلام نیز استاد متون متعددی از دانش کلام اسلامی را تدریس کردند از جمله مهم‌ترین اثر تأثیرگذار علامه حلی یعنی کشف المراد که شرحی است بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی و نیز دو اثر گرانبهای فیاض لاهیجی یعنی شوارق الالهام و گوهر مراد و آثاری چون نقد المحصل اثر خواجه نصیرالدین طوسی و شرح المواقف تألیف مرحوم ایجی که شرحی است بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی و کتاب طلب و اراده تألیف غروی اصفهانی.

مجموعه رسائل ابن‌سینا آمده و به موضوع عشق از دیدگاه فلسفی می‌پردازد. از جمله آثاری که استاد حشمت‌پور تدریس داشتند، کتاب «الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة» است که یکی از آثار مهم و تألیفات ملاصدرا محسوب می‌شود. این کتاب دوره‌ای کامل و جامع یا شاید بتوان گفت خلاصه‌ای از حکمت متعالیه است که به اثبات توحید و نبوت می‌پردازد. ساختار این کتاب شامل پنج «مشهد» است؛ هر مشهد از چندین «شاهد» تشکیل شده و هر یک از شاهدها نیز در قالب چند «اشراق» تنظیم شده است. استاد حشمت‌پور توانستند تمامی این پنج مشهد به همراه تمامی شاهدها و مباحث اشراقی این اثر را به صورت کامل و دقیق تدریس کنند. یکی دیگر از آثار ملاصدرا که استاد حشمت‌پور تدریس کردند، کتاب «الأسفار الأربعة» است. این کتاب یکی از مهم‌ترین آثار فلسفی است که ملاصدرا در آن نظام فلسفی خود را تبیین کرده و یکی از آثاری است که در حوزه‌های علمیه و دانشگاهی مورد توجه قرار می‌گیرد و بخش‌هایی از مباحث آن به صورت پراکنده تدریس می‌شود. استاد حشمت‌پور تا جایی که بنده اطلاع دارم، جلد‌های ششم و هفتم (از مجلدات نه‌گانه اسفار) این اثر را تدریس کردند. این دو جلد شامل سفر سوم «الأسفار» است که ملاصدرا در آن به بررسی مباحث مربوط به افعال حق تعالی، علم خداوند متعال و مباحث الهیات بمعنی الاخص پرداخته

گرفته است. این کتاب شامل بخش‌های منطق، طبیعیات و الهیات بوده و دارای آرای عمیق و نوآورانه‌ای درباره موضوعات فلسفی است. خواجه نصیرالدین طوسی، فخرالدین رازی و دیگران بر این اثر شرح نوشته‌اند. کتاب «اشارات» در حوزه منطق دارای ۱۰ نمط است که هر کدام به مباحثی خاص می‌پردازند از جمله مقدمه، کلیات خمس، حد و رسم و تعریف، قضایا، تناقض، انواع قضایا از لحاظ ماده و صورت، استدلال‌ها، قیاس‌های شرطی، علوم برهانی و قیاس‌های مغالطه‌ای. همان طور که گفته شد، کتاب «اشارات» شامل سه بخش اصلی منطق، طبیعیات و الهیات است. بخش الهیات نیز بر اساس ۱۰ نمط تنظیم شده که سه نمط اول مربوط به مباحث طبیعی و بقیه به مباحث در حوزه الهیات است. استاد حشمت‌پور تمامی این ۱۰ نمط را تدریس کرده‌اند و درس‌های ایشان در این زمینه به صورت گفتارهای ضبط شده موجود است. از دیگر آثار ابن‌سینا که استاد حشمت‌پور به آن پرداخته‌اند، کتاب «نجات» است. این کتاب خلاصه‌ای از کتاب مشهور «شفا» است. با این تفاوت که «نجات» در ۱۱ باب تنظیم شده است. استاد حشمت‌پور بیشتر در تدریس این کتاب، به بخش‌های چهارم، پنجم و ششم پرداخته‌اند که مربوط به مباحث نفس می‌شود. علاوه بر این، استاد رساله‌ای کوتاه اما عمیق از ابن‌سینا به نام «رساله عشق» را نیز تدریس کرده‌اند. این رساله در

گنجینه‌های خرد

فهرست درخشان سلسله درس گفتارهای استاد حشمت پور

■ سلسله درس گفتارهای حدیثی

- صحیفه سجادیه
- لوامع الأنوار (محمدباقر بن محمد حسینی شیرازی)
- شرح توحید صدوق (قاضی سعید قمی)
- شرح اصول کافی (ملاصدرا)
- علل الشرائع (شیخ صدوق)

■ سلسله درس گفتارهای تفسیری

- مجمع البیان (شیخ طبرسی)
- زبدة البیان (مقدس اردبیلی)

■ سلسله درس گفتارهای فقهی و اصولی

- نهایة الدرایة (غروی اصفهانی)

■ سلسله درس گفتارهای علم حساب و ریاضیات

- حساب شفاء (ابن سینا)
- ریاضیات شفاء (ابن سینا) - خلاصه الحساب (شیخ بهایی)

■ سلسله درس گفتارهای هیئت و نجوم

- تحریر الکرثاوذوسیوس (خواجه نصیرالدین طوسی)
- تحریر الکرثا مانالوس (خواجه نصیرالدین طوسی).

این فهرست تنها گواهی کوچکی از عظمت علمی استادی است که عمرش را به احیای گوه‌های فراموش شده اندیشه اسلامی سپری کرد.

■ سلسله درس گفتارهای منطقی

- منطق شفاء (ابن سینا): شامل مدخل (ایساغوجی)، مقولات شفاء، عبارت شفاء، برهان شفاء، جدل شفاء، شفاء، قیاس شفاء، خطابه شفاء، سفسطه شفاء و شعر شفاء.
- منطق اشارات و تنبیهات (ابن سینا)
- منطق منظومه (حکیم سبزواری)

■ سلسله درس گفتارهای عرفانی و اخلاقی

- تمهید القواعد (ابن ترکیه)
- رساله عشق (ابن سینا)
- شرح منازل السائرین (خواجه عبدالله انصاری)
- الذریعة الی مکارم الشریعة (راغب اصفهانی)

■ سلسله درس گفتارهای کلامی

- طلب و اراده (غروی اصفهانی)
- نقد المحصل (خواجه نصیرالدین طوسی)
- شرح المواقف (مرحوم ایجی)
- کشف المراد (علامه حلی)
- شوارق الالهام (فیاض لاهیجی)
- گوهر مراد (فیاض لاهیجی)

یک طبقه‌بندی دانشی فهرست‌وار برای معرفی سلسله درس گفتارهای استاد حشمت پور (ره) به استادان، دانشجویان، طلاب و محققان علوم اسلامی ارائه می‌شود.

■ سلسله درس گفتارهای فلسفی

- کتاب الملة (فارابی): کتاب شفاء (ابن سینا) شامل طبیعیات شفاء، مباحث نفس الشفاء، الهیات شفاء؛ کتاب نجات (ابن سینا)
- بخش نفس
- الاشارات والتنبیهات (ابن سینا)
- تلویحات (سهروردی)
- حکمت اشراق (سهروردی)
- طب روحانی
- حکمت علمی (زکریای رازی)
- اسرار الآیات (ملاصدرا)
- اسفار الاربعة (ملاصدرا)
- رسالة الحدود (ملاصدرا)
- شواهد الربوبیه (ملاصدرا)
- مبدأ و المعاد (ملاصدرا)
- شرح منظومه (حکیم سبزواری)
- رساله سبیل الرشاد (آقاعلی مدرس طهرانی)
- رساله فیه مباحث الحمل (آقاعلی مدرس طهرانی)
- رساله وجود رابط (آقاعلی مدرس طهرانی)



مرثیه حکمت

سروهای حکمت به سوگ سرو قد علم

استاد محمد حسین حشمت پور، مردی که بدون سخن گفتن، بزرگترین درس حکمت را زندگی کرد

پیام‌هایی کم‌نظیر، از مردی گفتند که حکمت را نه در کتاب‌ها، که در نگاه آرام و قدم‌های اندازه‌گیرش معنا کرده بود. در ادامه، روایتی از این خاموشی پرمعنا را می‌خوانید؛ ندایی که از حاشیه‌های گمنام تا متن جامعه فلسفی طنین انداخت.

خشک تبدیل می‌شود، او حکمت را با سکوت عمل می‌آموزاند. دهه آخر اردیبهشت امسال، وقتی خبر پرواز این استاد بی‌تکلف در فضای مجازی پیچید، نه فقط حلقه‌های فلسفی، هر آنکه طعم معرفت بی‌ریا را چشیده بود، سوگوار نشست. حکیمان زمان در

در خلوت کوچه‌های گمنام مشهد و قم، مردی می‌رفت که تاریخ فلسفه رسمش نکرده بود، اما نفس‌هایش واژه‌های نانوشته حکمت بودند. محمد حسین حشمت پور، اندیشمندی بی‌آلایش بود که فلسفه را از حصار بحث‌های انتزاعی رها کند و به خاک زندگی کشاند. در روزگاری که تفکر گاه به مجادله‌ای

وحدت گرای سه جریان حکمت در مسیر الهی

پژوه، مدیون کوشش جامع‌نگری این بزرگ استاد حوزه علمیه قم بودند. آیت‌الله العظمی جواد آملی در پایان پیام خود، از تلاش‌های استاد حشمت پور به عنوان میراثی ماندگار برای جامعه حکمت‌پژوه یاد کردند و آرزو کردند: «امیدواریم ذات اقدس الهی حشر ایشان را با اولیای الهی قرار بدهد، به بازماندگان گرامی و بزرگوار ایشان صبر جمیل و اجر جزیل عنایت کند و شاگران عزیز و ارجمندشان، راهیان صحیح راه این فقید سعید بشوند». این پیام، گویای جایگاه بی‌بدیل مرحوم حشمت پور در جمع بندی مکاتب مختلف فلسفی و نقش ایشان در هدایت طالبان حکمت به سوی سلوک علمی متوازن است.

حکمت متعالیه را کنار هم جمع کند تا راهیان راه‌های متنوع که توفیق شاگردی ایشان را داشتند هر کدام از شعبه خاصی در متن صراط مستقیم به بارگاه قرب الهی بار یابند. معظم‌له در ادامه با تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از مسیرهای حکمی تأکید کردند: «اگر کسی توانست هر سه راه را جمع کند طوبی له و حسن مآب، دوراه از این سه راه جمع کند هنیئا له، یک راه از این راه‌های سه‌گانه را طی کند، کار نیکو و حسنه خوبی است». آیت‌الله العظمی جواد آملی سپس افزودند: «آن مرحوم، واجد همه این خصوصیات بودند که رضوان خدا بر او باد! به هر تقدیر همه این حکمت‌مداران و حکمت

آیت‌الله العظمی جواد آملی در پیامی درگذشت استاد محمد حسین حشمت پور را تسلیت گفته و فرمودند: «اکنون که در جوار بارگاه ملکوتی امیرمؤمنان علی بن ابیطالب (علیه افضل صلوات المصلین) هستیم خبر تلخ درگذشت حکیم الهی و حکمت‌مدار و حکمت‌پژوه اسلامی مرحوم حشمت پور را شنیدیم و این سانحه تلخ بسیار ناگوار بود». ایشان به ویژگی منحصر به فرد مرحوم حشمت پور نیز اشاره و بیان کردند: «خصوصیت این بزرگمرد این بود که توانست حکمت مشاء و اشراق و



فقیهی بی‌ردا

فقید اشاره کرده و تأکید کردند: «ایشان بسیار مرد باتقوا و مهدبی بودند. حتی نمازهای صبح را ایشان در مسجد اقامه می‌کردند. بسیار مقید به آداب شریعت بودند. رضوان الهی بر ایشان باد». این بیانات حاکی از جایگاه ممتاز مرحوم حشمت پور در تلفیق برجستگی‌های علمی با فضائل اخلاقی و التزام عملی به احکام شرعی است. شخصیتی که با اینکه پوشش رسمی روحانیت نداشت، به الگویی جامع از عالم ربانی تبدیل شده بود.

علمیه بودند که اگرچه لباس روحانیت نپوشیده بودند، ولی مرد بسیار فاضلی بودند». ایشان با برشمردن ویژگی‌های علمی استاد فقید خاطرنشان کردند: «یک دوره درس حضرت آیت‌الله العظمی وحید را خوب تقریر نموده بودند. در علوم مختلف هم ایشان مسلط بودند. در این اواخر بیشتر عهده‌دار تدریس علوم عقلی و برخی علوم دیگر با صلاحیت‌های لازم بودند». آیت‌الله شب‌زنده‌دار در بخش دیگری از سخنان خود به ویژگی‌های اخلاقی و عبادی این استاد

آیت‌الله محمد مهدی شب‌زنده‌دار، دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه، در آغاز درس خارج اصول فقه خود به مناسبت رحلت استاد محمد حسین حشمت پور، به تبیین ابعاد شخصیتی این استاد فقید پرداختند. معظم‌له با اشاره به سوابق درخشان علمی مرحوم حشمت پور تصریح کردند: «جناب حجت الاسلام والمسلمین حشمت پور از فضایی با سابقه حوزه



حسرت نشناختن

بسیاری تربیت کرد». این پیام از سویی بیانگر جایگاه ممتاز مرحوم حشمت پور در تلفیق زهد و دانش است و از سوی دیگر حاکی از غفلت جامعه علمی از بزرگداشت چنین شخصیت‌های برجسته‌ای در دوران حیاتشان است. تأکید بر تواضع و توانمندی علمی استاد فقید، تصویری جامع از عالمی را ترسیم می‌کند که هم در علم سرآمد بود و هم در اخلاق نمونه.

محمد حسین حشمت پور طاب ثراه موجب اندوهی همراه با حسرت شد». ایشان در بخش دیگری از پیام خود با بیان احساس دوگانه خود نسبت به این رحلت فرمود: «انده در از دست دادن استادی توانمند و متواضع و حسرت در کم‌توجهی به این شخصیت در ایام حیاتش. آن بزرگوار سال‌های متمادی در علوم عقلیه تدریس و شاگردان

آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی از اساتید برجسته حوزه علمیه نیز در پیامی به مناسبت درگذشت استاد محمد حسین حشمت پور، این ضایعه علمی را تسلیت گفت. معظم‌له فرمود: «ارتحال عالم زاهد و سالک متخلق مرحوم استاد



مرثیه حکمت

سایه‌ای از حکمت، در گذر زمان فرو نشست

رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در ادامه با برشمردن ویژگی‌های اخلاقی آن مرحوم افزود: «ایشان با سلوک ساده زیستانه و خضوع و متانت خود، علاوه بر استادی حکمت و فلسفه، معلم تعبد، تدبیر، زهد و اخلاق و نمونه‌ای ممتاز از اندیشمندان اسلامی در دوران معاصر بود».

موجب تأسف و تألم گردید». ایشان در بخشی از پیام خود با تأکید بر نقش علمی و اخلاقی مرحوم حشمت پور تصریح کرد: «آن مرحوم، نقشی مؤثر در تعالی علمی و معرفتی دانش فلسفه و حکمت اسلامی در حوزه و دانشگاه داشت و اندیشمندان و تلامذه بسیاری را در این علوم پرورش داد».

آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری، رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز در پیامی فرمود: «درگذشت استاد فرزانه و حکیم فرهیخته، جناب آقای محمدحسین حشمت پور،



حکیمی از تبار فروتنی

تصریح کرد: «ایشان آثار ماندگاری از خود به جای گذاشت و بدینسان چهره‌ای ماندگار در جامعه علمی کشور خواهد ماند و ان شاء الله در پیشگاه خداوند سرافراز و مأجور خواهد بود و حوزه علمیه مقام والای آن فقید سعید را گرامی می‌دارد».

علمی و سال‌ها تلاش برای تربیت شاگردان برجسته در علوم اسلامی و فلسفه الهی در حوزه علمیه و نیز دانشگاه، از ویژگی‌های شخصیتی و فضیلت‌های اخلاقی چون تواضع و فروتنی، مناعت طبع و دنیاگریزی برخوردار بود». مدیر حوزه‌های علمیه کشور در ادامه پیام خود

آیت‌الله علیرضا اعرافی در پیامی درگذشت استاد فاضل و دانشمند گرانقدر، محمدحسین حشمت پور را تسلیت گفت و بیان کرد: «آن اندیشمند فرزانه افزون بر مراتب فضل و کمال



حکیم متعهد

علمی و اخلاقی آن مرحوم افزود: «این فاضل فرهیخته همه عمر خویش را صرف تدریس حکمت و تربیت نفوس طلاب و دانشجویان کرد. زهد و پارسایی، صفای باطن و بی‌ریایی، تواضع و بی‌پیرایی، از اوصاف بارز و اخلاق برجسته این استاد متبحر بود».

اسلامی، مرحوم محمدحسین حشمت پور را تسلیت گفت. وی با ابراز تأثر عمیق از این ضایعه علمی تصریح فرمود: «خبر درگذشت مدرس مبرز حکمت و فلسفه اسلامی، استاد محمدحسین حشمت پور (قدس سره)، مایه تأسف گردید». رئیس انجمن فلسفه اسلامی با تجلیل از خدمات

آیت‌الله علی اکبر صادقی رشاد، رئیس انجمن علمی فلسفه اسلامی حوزه علمیه، در ادامه پیام‌های تسلیت علما و اساتید حوزه و دانشگاه، با انتشار پیامی درگذشت استاد فرزانه حکمت



پارسایی و پیگیری علمی؛ سیره حکمت آموز

خانواده مکرم، بستگان، شاگردان و علاقه‌مندان آن فقید سعید تسلیت عرض می‌نمایم و از خداوند متعال، علو درجات برای آن مرحوم و صبر و اجر برای بازماندگان مسئلت دارم».

حیات علمی آمیخته با فضیلت‌های اخلاقی، میراثی است که نه مرگ می‌شناسد و نه زمانه‌ای آن را به فراموشی می‌سپارد.

بیان کرد: «سالیان متمادی ایشان را می‌شناختم و صفاتی چون فروتنی، مناعت طبع، پارسایی، اهتمام به تعلیم و تلاش علمی پیگیر در حوزه و دانشگاه، از ویژگی‌های برجسته ایشان بود».

ایشان با بیان این نکته که فقدان چنین اساتیدی ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است، افزود: «اینجانب این مصیبت را به

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پیامی درگذشت استاد فرزانه حکمت اسلامی، مرحوم محمدحسین حشمت پور را تسلیت گفت. او با اشاره به آشنایی دیرینه با آن مرحوم



سلوک عقل و تقوا

ایشان در ادامه با تأکید بر نقش تربیتی و علمی آن مرحوم، افزودند: «آن بزرگوار سال‌های متمادی در علوم عقلیه تدریس و شاگردان برانده‌ای تربیت کرد».

حکمت راستین، آن است که از کتاب‌ها به جان‌ها جاری شود و استاد حشمت پور، چنان زیست که این انتقال را در سایه سلوک علمی و اخلاقی محقق سازد.

پیامی را صادر کردند. ایشان با اشاره به جایگاه علمی و اخلاقی مرحوم حشمت پور، فرمودند: «بدینوسیله رحلت اسفناک عالم عادل و سالک متخلق مرحوم استاد محمدحسین حشمت پور طاب ثراه را به ارباب فضیلت و تقوا، شاگردان، دوستان، بازماندگان و بستگان سوگوار ایشان تسلیت عرض می‌کنم».

آیت‌الله مصطفی محقق داماد، رئیس مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم و از اساتید نامی حوزه، با بیان تأثر عمیق از درگذشت استاد محمدحسین حشمت پور، حکیم وارسته و فیلسوف برجسته معاصر،



مرثیه حکمت

معلمی که شمع وجودش، روشنگر راه حقیقت بود

کثیری را از شمع وجود خویش بهره‌مند می‌ساخت به تمام شاگردان و علاقه‌مندان ایشان خصوصاً بیت مکرم و صبورشان تسلیت عرض نموده و برایشان صبر جمیل و اجر جزیل و برای آن استاد فرهیخته و وارسته و به حق پیوسته رحمت و غفران ویژه الهی را از درگاه حضرت احدیت درخواست می‌کنم.

فلسفه اسلامی دانشگاه قم را تسلیت گفت. اوبیان کرد: «اینجانب ارتحال ملکوتی این استاد کم‌نظیر را که در منقول و معقول تدریجی ویژه داشت و سالیانی را چه در حوزه علمیه مشهد مقدس رضوی و چه در حوزه مبارکه قم منور معصومی خالصانه و دور از هر گونه تکلف و تصنعی به تدریس و تعلیم اشتغال داشت و جمع

آیت‌الله حسن رمضانی، استاد فلسفه و عرفان اسلامی و شاگرد برجسته علامه حسن‌زاده آملی، با صدور پیامی، رحلت استاد محمدحسین حشمت‌پور، عضو هیئت علمی گروه



عقل سلیم، نفس مطمئن

علمیه و مجامع دانشگاهی خصوصاً شاگردان نزدیک و علاقه‌مندان دور، موجب اندوه فراوان و مایه حزن و خسارت است.»

دکتر جوادی آملی در پایان پیام خود نیز با اشاره به این ضایعه تأثیرگذار، افزود: «ثلمه از دست دادن این شخصیت ممتاز را به همه بازماندگان گرامی و شاگردان و خوشه‌چینان دانش ایشان تسلیت عرض نموده و ضمن گرامیداشت نام و یاد او، از درگاه الهی رضوان و فردوس برین را برای ایشان مسئلت دارم.»

رحلت چنین استادی، نه خاموشی چراغ حکمت که انتقال آن از دنیای خاکی به ملکوت نورانی علم بی‌زوال است.

او با برجسته کردن شخصیت علمی و انسانی استاد حشمت‌پور، افزود: «استاد برجسته‌ای که سال‌ها تلاش و سعی مجدانه خود را در جهت فراگیری علوم عقلی در سطوح عالی نزد اساتید و اساطین حکمت و عرفان سپری کرد و توانست خود استادی مؤثر و صاحب نفوذ در فضای حکمت و فلسفه به شمار آید؛ آثار علمی باقی‌مانده و شاگردان شایسته‌ای که از او به یادگار مانده است، از شواهد قطعی و نشانه‌های برجستگی و فضل و دانش این اندیشور الهی است. از دست دادن این استاد متین، آرام و نرم‌خو که در عنوان حاصل دهی رحلت الهی او را به دیار ابد کشانید، برای حوزه

حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی نیز در پیامی عمیق، درگذشت استاد گرانمایه و صاحب کرسی در اندیشه علوم



عقلی، استاد محمدحسین حشمت‌پور را تسلیت گفت.

ایشان در بدو امر فرمود: «بحق فقدان استاد گرانمایه و صاحب کرسی در اندیشه علوم عقلی جناب استاد آقای حاج محمدحسین حشمت‌پور، خسارتی بزرگ برای حوزه‌های علمیه خصوصاً حوزه علمیه قم در فضای علوم عقلی و حکمت اسلامی است.»

حکیم عصر حیرت

علوم انسانی توسط رئیس جمهور قدردانی شود که متأسفانه در آن برنامه، استاد در بستر بیماری بودند.» وی در پایان پیام خود با برجسته کردن شخصیت اخلاقی استاد حشمت‌پور، افزود: «اینجانب به سهم خود رحلت این استاد عالیقدر را که آینه فضیلت و فروتنی در عصر حیرت بود، به حضور خانواده مکرم ایشان، دوستان و خیل کثیر شاگردان وی و به ساحت مبارک حوزه علمیه قم تسلیت عرض می‌کنم. رحلت ایشان به راستی مصداق ثلمه لایسدها شیء بود.»

گرانیه‌های خود را مخلصانه، وقف تدریس و تعلیم حکمت اسلامی، با دقتی مثال‌زدنی و تعمقی عالمانه کرد و با توجهی ویژه به متون حکمی کم‌رونق‌تر و دیرپای‌تر، سهم بزرگی را در بقای علمی متون کهن در سنت فلسفی ایران و اسلام از آن خود کرد.»

سیمایی با اشاره به نقش برجسته استاد در جشنواره فارابی، افزود: «تلاش‌های گرانیه‌های استاد حشمت‌پور موجب شد تا در دوره اخیر جشنواره بین‌المللی فارابی، از مقام علمی ایشان به عنوان چهره ممتاز و پیشکسوت

حسین سیمایی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری نیز با صدور پیامی درگذشت حکیم و دانشمند فرزانه مرحوم استاد حشمت‌پور را



تسلیت گفت. اوبیان اینکه ارتحال حکیم متأله و دانشمند فرزانه استاد محمدحسین حشمت‌پور رضوان‌الله تعالی علیه، موجب تأسف و تأثر شد، یادآور شد: «استاد حشمت‌پور، عمر

حکمت زاهدانه؛ آینه‌ای از علم و عمل

شاگردان برجسته در حوزه‌های گوناگون علوم عقلی داشت.»

وی افزود: «حکمت حقیقی آنگاه جاودانه می‌شود که از حرم کتاب‌ها به سینه‌های پاک و سپس به رفتارهای نورانی راه یابد؛ همان گونه که استاد حشمت‌پور با زیست حکیمانه‌اش اثبات کرد.»

اصیل ایرانی-اسلامی برشمرد. او بیان کرد: «این اندیشمند برجسته، عمر خویش را زاهدانه و فروتنانه وقف ترویج حکمت، پرورش اندیشه و ارتقای دانش فلسفی در حوزه و دانشگاه کرد و با دقت، متانت و ژرف‌نگری، جایگاهی ممتاز در میان استادان فلسفه اسلامی یافت و سهم مهمی در تربیت

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی درگذشت محمدحسین حشمت‌پور را تسلیت گفت و با اشاره به ابعاد وجودی این استاد فرزانه، فقدان او را مصیبتی برای حکمت‌ورزی



مرثیه حکمت

حدیث حاضر غائب



مصطفی ملکیان، استاد برجسته فلسفه نیز یکی از دوستان نزدیک و شاگردان خاص استاد محمدحسین حشمت پور بود که در پیامی بسیار عمیق و الهی، یاد و

خاطره استاد را زنده کرد.

در این پیام با وقار و متانت، استاد ملکیان بیان کرد: «شادروان و زنده یاد استاد محمدحسین حشمت پور، در یک کلام حاضر غائب و همین حضور غائبانه رمز جمال، جلال و کمال او بود. در میان مردم می زیست، امور خانوادگی را تدبیر و تمشیت می کرد. با خویشاوندان معاشرت و مصاحبت می کرد. با دوستان حشر و نشر و نشست و برخاست داشت. به تدریس و تدریس و تعلیم

و تعلم اشتغال مدام داشت. به امور خیریه اهتمام وافر می ورزید. به وضع و حال و کاروبار مستمندان توجه بلیغ داشت. به مشورت جویان نظر مشورتی می داد. از توصیه خواهان توصیه ای دریغ نمی کرد. و اما و همه عظمت و فضیلت او در این اما خلاصه می شود. به وساطت همه این کارها با جان جهان سخن می گفت و گفت و شنود می کرد. هر وظیفه اخلاقی را که نسبت به هر انسان، حیوان، نبات و جمادی داشت ادا می کرد. حق گذار همه موجودات بود. نیکخواه و نیکوکار بود؛ اما از طریق همه این ها با محبوبی یگانه مراوده و مکالمه داشت. به دیگران کمک و خدمت می کرد اما به این نیت که دل آن یگانه دیگر را بدست آورد».

ایشان در ادامه با بیان خاطراتی شخصی و تأثیرگذار افزود: «به ظاهر با من و تو سخن می گفت و در باطن با آن به کلی دیگر، نجوا و زمزمه داشت. همه موجودات را عیال و عائله او می دید و برای آنکه در نزد او محبوب تر شود بر کمک و خدمت به این عیال و عائله می افزود.

به ظاهر در حضور همه بود و در باطن از همه غیاب داشت و با دیگری نرد عشق می باخت. جسم و جانش با ما بود اما دلش به سوی او پر می کشید. این «اما» این قدر هست که او به گوش وی خوانده بود که اگر جسم و جان را صادقانه و بیغرضانه فدای دیگران نکنی دلت به حریم خلوت من راه نخواهد یافت. کوتاه سخن؛ هرگز

حدیث حاضر غائب شنیده اید، او در میان جمع و دلش جای دیگر، همه زندگی غبطه انگیزش در تقریر حقیقت و تقلیل مرارت خلاصه می شد. از دوران کودکی تا پایان عمر

در پی حقیقت بود و همین حقیقت جویی او را به تتبع و غور خستگی ناپذیر و کم مانند در کتب و رسائل واداشته بود. بیش از ۶۰ سال در آثار و مآثورات سنت اسلامی غوطه ور بود. در همه علوم و معارف اسلامی، از اصول فقه، فقه، اخلاق و کلام گرفته تا فلسفه و عرفان مجتهد و صاحب نظر بود و با این حال در هیچ حدی متوقف نمی شد و پیوسته در کار مطالعه بیشتر و تحقیق جدیدتر بود».

این استاد برجسته فلسفه، در دیگر سوی شخصیت علمی و معنوی استاد حشمت پور نیز نگاهی عمیق داشت و با احساس تأثر و ارادت، یادآور شد: «گمان ندارم که کسی او را در مکانی حتی در کوچه و خیابان بدون یکی دو کتاب و دفتر در دست دیده باشد. من خود جامعیت او را در حیطه علوم معارف اسلامی در احدی ندیدم. حتی در مباحثی مانند

ریاضیات و طبیعیات فیلسوفان مسلمان،

که اعتقاد عموم بر این است امروزه از ارزش و اعتبار سابق برخوردار نیستند، سر سوزنی کمتر یا سست باورانه تر یا کم مهرتر از سایر مباحث تتبع و تحقیق نمی کرد. همه جا در پی حقیقت بود و مهم تر آنکه این حقیقت جویی را هیچ گاه مشوب به شوائب تعقب، جزم و جمود، پیش داوری، استدلال گریزی، آرزو اندیشی و خرافه پرستی نمی کرد. اما حقیقت جویی، او را از تقلیل مرارت و تخفیف رنج و محنت هموعانش غافل نمی کرد. نسبت به روز و روزگار نیازمندان حساسیت و تیزچشمی کم نظیر داشت و در راه رفع نیازهاشان نه فقط از بذل موجود دریغ نمی کرد و هر چیز خود داشت به رایگان می بخشید؛ بلکه واسطه خیر نیز می شد و خلاف شأن و مقام خود نمی دید که از نیکوکاران و خیران دیگر نیز کمک بگیرد و کمک های آنان را به کمک جویان برساند. کمک جویانی که اغلب خبر نداشتند که او یکی از بزرگان و مدرسان علوم اسلامی در روزگار ماست».

این دوست صمیمی به برجسته ترین وجه انسانی استاد حشمت پور نیز نگاه کرده و با تأکید بر کمال معنوی استاد ادامه داد: «از همه این ها ارجمندتر آنکه این تقریر حقیقت و تقلیل مرارت، زاده و پرورده بی آنانیتی بود استاد حشمت پور آنانیت نداشت یا به تعبیری دیگر آنانیت را در خود میرانده بود و به راستی در مبارزه با نفس و نفس کشی، کامیاب شده بود و همه صداقت، تواضع، عدالت، شفقت و نیکخواهی او همچون ققنوس از خاکستر نفسی سوخته و فرومرده برمی خاست؛ بی سر سوزنی مبالغه و اغراق و غلو؛ در طی بیش از ۴۰ سالی که مشرف به شرف آشنایی و دوستی با او بودم؛ ذره ای آنانیت و نفسانیت در گفتار و کردار و حتی زبان بدن او ندیدم. هم از این رو بود که با آنکه در باطن فاصله معنوی کهکشانی با من و امثال من داشت، در ظاهر حرکات و سکنات فاصله انداز نداشت».

استاد ملکیان در پایان پیام تأثیرگذار خود، با برجسته کردن جایگاه معنوی استاد حشمت پور و نقش او به عنوان الگویی زنده از زندگی اسلامی، تصریح کرد: «در تقریباً ۳۰ سال گذشته، صدها بار وقتی کسانی اظهار شک می کردند در اینکه در این روز و روزگار وانقضا بتوان حیات معنوی داشت یا از من می خواسته اند که لااقل یک انسان معنوی به آنان بشناسانم؛ بی درنگ از استاد حشمت پور نام برده ام و چنان که در اهداییه یکی از کتاب های خودم به او نوشته ام او را تجسم اخلاق و معنویت می دانم. با دلی آکنده از اندوه و چشمی اشکبار از او یاد می کنم، هرچند هرگاه یاد او می کنم از خود شرمنده می شوم که اگر او انسان من چیستم و اگر من انسانم او که بود. اگر خیلی خوشبینانه سخن بگویم باید به او خطاب کنم که؛ صبر بسیار بیاید پدر پیر فلک را، تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید. و واقع بینانه تر آنکه إِنَّ الزمان بمثله لعقیم».



حکیم و عالمی متواضع

حسین رمضانی حسین آباد، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

حقیقت نفسی مذهب از رذائل و محلا به فضائل اخلاقی و معنوی یافته بود. در وصف فضیلت‌های اخلاقی و معنوی او، سخن فراوان است.

آنچه در منظومه ملکات اخلاقی آن انسان کریم، برای این حقیر بیش از همه، خیره‌کننده و جذاب بود، مجاهدت مستمر علمی، ساده‌زیستی، تواضع و روحیه یاری‌گری و احسان به دیگری در او بود.

این حقیر، هر گاه او را دیدم، چه در حوزه علمیه (به خصوص مدرسه آیت‌الله بروجردی (ره)) و چه در دانشگاه قم و چه در حرم مطهر حضرت معصومه (س)، در حال مطالعه و نوشتن حاشیه بر کتاب یا نگارش یادداشت در دفتری بود که همراه داشت.

همچنین هر گاه چه در مدرسه آیت‌الله بروجردی و چه در دانشگاه قم، توفیق حضور به محضر مبارکش را می‌یافتم، با گشاده‌رویی خاص به خود پذیرا و یاریگر بود. ساده‌زیستی او و پرهیزش از عناوین و ظواهر خالی از حقیقت و معنا، در ذهن و ضمیر بنده همواره نشانی از روح فراز یافته از او از تعلقات این دنیای فانی بود.

او به حقیقت معنا اهل تواضع بود و به مصداق آن حدیث شریف که «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ» یعنی «هر آن کس که برای خدا تواضع کند، خداوند او را رفعت مقام و منزلت می‌بخشد»، در چشم آن‌هایی که او را شناختند، مقامی والا و رفیع یافت. عاش سعیداً و مات سعیداً

کنم، تأکید او بر فهم صحیح سنت عقلی اسلامی با انکا بر فهم صحیح و دقیق و عمیق متون است. استاد مرحوم حشمت‌پور با بهره‌گیری از همه ظرفیت دانشی خود آنچنان متون حکمی و فلسفی و به خصوص آثار شیخ‌الرئیس را معنا و تفسیر کرده که در ابراز و آشکارسازی ظاهر و باطن متن، هیچ مقدمه و نکته‌ای که درک متن و معنای آن بدان وابسته است، فروگذار نشده است. این میزان از قدرت در فهم و اشراف بر بیان ظاهر و تفسیر باطن متون حکمی و فلسفی در او. اگر نگویم بی‌نظیر. نادر النظیر است. تمرکز آن فقید سعید بر فهم و تبیین متون به‌همراه عزم و خلوص نبش برای خدمت به جویندگان معارف دین و حکمت و فلسفه موجب شده بود روح و ضمیر نورانی‌اش، به اذعان خودش و اعتراف آشنایان با او، مطلع اشراق برخی معانی در مقام فهم و تبیین و تفسیر متون حکمت و فلسفه باشد.

البته او تعلیم و تدریس حکمت و فلسفه را با لحاظ ویژگی‌هایی که یاد شد، به مثابه خدمت علمی خود به دانش‌پژوهان و جویندگان معارف الهی قلمداد می‌کرد. شاید بر اساس همین باور بود که با وجود حضورش در دانشگاه، ولی پایگاه اصلی اثرآفرینی علمی و تعلیم و تدریسش را حوزه علمیه قرار داده بود و تا پایان عمر شریف و بابرکتش بر این نهج و نمط استوار ماند.

مرحوم استاد حشمت‌پور در مقام عمل و سلوک عملی خود، متأثر از معارف والایی که در فکر و ذهن و ضمیر خود اندوخته بود، به

نکته مهم جدای از افشای فضیلت‌های علمی و عملی استاد، اشاره به نکته‌ای اساسی درباره مسیر علمی و عملی و کارویژه‌ای است که حشمت‌پور عزیز با آگاهی و تعهد و خلوص نیت و با دقت و وسواس خاطر فراوان، سالیان متمادی عمر شریف خود را صرف آن کرد؛ و این امر مهم‌ترین درسی است که زندگی علمی و عملی آن فقید سعید به ما جویندگان معارف قرآن و برهان و عرفان و متعاطیان علوم دینی، حکمی و فلسفی می‌دهد.

در وصف سیمای علمی شخصیت مرحوم استاد حشمت‌پور عزیز، بدون گزافه‌گویی می‌توان ابراز کرد که وی جامع معقول و منقول بود. این معنا با مرور زندگی‌نامه علمی او و بررسی مسیر علمی و عملی پیموده شده توسط وی در حوزه علمیه خراسان و سپس در حوزه علمیه قم در طول پنج دهه گذشته مشهود است. با وجود این جامعیت علمی، انتخاب مرحوم استاد حشمت‌پور عزیز آن بود که پس از دوران تلمذ و تدریس و نیز در حین آن، عمر و وقت شریف خود را یکسره در راه تعلیم و تدریس متون حکمت و فلسفه اسلامی به طلاب و دانشجویان مصروف داشت.

استاد مرحوم حشمت‌پور در مقام تعلیم و تدریس متون حکمت و فلسفه اسلامی نیز بسان مقام تلمذ و تدریسش، جامع بود؛ او استاد ممتاز و جامعی بود که تمام مراتب و ابواب حکمت و فلسفه در معنای عام و سنتی آن یعنی الهیات، ریاضیات و طبیعیات را مطالعه و تدریس کرد. این سطح از جامعیت در شخصیت علمی استاد مرحوم حشمت‌پور، محصول سال‌ها ممارست او برای فهم مفاد متون حکمی و فلسفی بود و همین ویژگی موجب شده بود نه تنها نزد طلاب و دانشجویان بلکه حتی نزد استادان حکمت و فلسفه به عنوان مرجعی برای فهم و تفسیر مطالب غامض شناخته شود و فهم و تبیین او، معیار سنجش مفاد و مرادات متون مشکل حکمت و فلسفه باشد.

آنچه به عنوان درس اساسی کلیت مسیر علمی آن بزرگوار فقید می‌خواهم به آن اشاره

